



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۵۱

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵

غزه: وقفه‌ای برای تدارک کشتارهای بعدی؟

کاظم نیکخواه

دولت نتانیاهو بنا به "طرح صلح ترامپ" یا در واقع به دستور ترامپ به آتش‌بسی بسیار شکننده در غزه رضایت داده است. اما هنوز چند روز از این آتش‌بس کذایی نگذشته حملات و بمباران‌های ارتش اسرائیل به غزه ادامه یافته است. بنا به گزارش‌ها ارتش اسرائیل در روزهای اخیر موجی از حملات هوایی به مناطق جنوب و مرکز غزه انجام داده است و بر اساس اعلام سازمان دفاع مدنی در غزه، دست‌کم ۱۵ نفر کشته شده‌اند. ارتش اسرائیل می‌گوید این حملات پس از آن انجام شدند که نیروهای حماس با «نقض گستاخانه توافق آتش‌بس»، با شلیک «گلوله و تسلیحات ضدتانک» به نیروهایش در رفح حمله کردند. به گفته شاهدان عینی، هواپیماهای اسرائیل امروز همچنین بیش از ۲۰ حمله هوایی متوالی به شرق خان‌یونس انجام دادند که با انفجارهای شدید و دود غلیظی که از محل بمباران‌ها بلند می‌شد، همراه بود.

"آتش‌بس غزه" در حال درجه توقف موقت کشتار و خونریزی را در این باریکه علیه مردم بی‌دفاع گشوده است و از این نظر جای خوشحالی است. اما تخاصم میان اسرائیل و فلسطین در پایان این آتش‌بس بسیار از گذشته عمیق‌تر و خونین‌تر شده است. زخم عمیقی که بر مردم این باریکه وارد شده بدون تردید خود آبیاری‌کننده جنگ‌ها و کشتارهای بسیار در آینده است. داستان غزه، داستان بی‌سرانجام سیستمی است که در آن جنگ و آدم‌کشی و نابودکردن انسان‌ها، بنا به شواهد تاریخی، یک قاعده است و آتش‌بس و صلح و آرامش استثناست. چگونه می‌توان در غزه و کلاً فلسطین زندگی کرد و قربانی شدن نزدیک به ۷۰ هزار نفر در عرض دو سال و ویرانی و آوارگی و نابودی کامل شیرازه زندگی فقیرانه را لمس کرد و از جنایت‌کاران کینه‌ای عمیق به دل نگرفت؟ دندان روی جگر گذاشتن و دفاع از صلح و آشتی، در این شرایط اگر نه غیرممکن اما متأسفانه بسیار دشوار است. مخصوصاً که روزنه‌ای برای بهبود، راهی برای گذر از این جنایات و کشتارگری‌ها، کورسوی امید برای شروع زندگی‌ای متفاوت و خلاصی از این محاصره و بن‌بست و بی‌اختیاری، مشاهده نمی‌شود.

قطعاً در تاریخ جامعه بشری نام نتانیاهو در کنار پینوشه، سوهارتو، هیتلر، و دیگر جنایت‌کاران تاریخ ثبت خواهد شد.

آتش‌بس غزه اکنون علی‌رغم ادامه حملات اسرائیل در چشم‌انداز قرار دارد. این آتش‌بسی با چشم‌انداز صلح نیست. صلح چه کسی با چه کسی؟ مردم فلسطین نه دولتی دارند نه سرزمینی نه حق و اختیاری که بخواهند در پشت میز مذاکره برای صلح بنشینند.

نیروهای اسلامی‌ای نظیر حماس که بنام

ادامه در صفحه ۳

پیرامون قطعنامه "جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان"

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۲

قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

ایران در مورد

جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری

گسترده و همزمان

صفحه ۴

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام

صفحه ۵

اعتصابی بی‌سابقه علیه اعدام

در قتلگاه قزل حصار

مصاحبه با حسن صالحی

صفحه ۶

سلطنت و اعدام

مصاحبه با اصغر کریمی

صفحه ۸

جمهوری اسلامی فرصت‌ها و چالش‌ها

نسان نودینیان

صفحه ۹

اهداف شرم‌الشیخ، پشت پرده صلح در غزه

مهران مجبی

صفحه ۱۱

همدستی شرم‌آور در پس

به قتل رساندن آتش‌زنده قرآن

عطیه نیک‌نفس

صفحه ۱۲

معرفی کتاب

صفحه ۱۳

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۴

پیرامون قطعنامه

“جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان”

گفت‌وگو با شهلا دانشفر



انترناسیونال: امروز می‌خواهیم با

شما در مورد قطعنامه "جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان"، مصوب پلنوم اخیر حزب صحبت کنیم. دلیل پیشنهاد چنین قطعنامه به پلنوم و شأن نزول آن چیست؟ آیا صرف وجود مطالبات روتین کارگری و وضعیت وخیم معیشتی برای صدور چنین قطعنامه‌ای کافی است؟

شهلا دانشفر: اعتراض بر سر معیشت و دست از کار کشیدن کارگر برای گرفتن حق و حقوقش یعنی دفاع از زندگی و مبارزه برای داشتن یک زندگی بهتر و در سیستمی که مستمندسازی هر روزه کارگر بنیاد پایه‌ای آن است، جزئی از زندگی هر روزه کارگر است. اما در جایی مثل ایران که فقر و بی‌تامینی بیداد می‌کند، کارگر از اولیه‌ترین حقوق خود از جمله حق تشکل و حق اعتراض محروم است، کارگر برای بقای خود راهی به جز اعتراض ندارد و این مبارزه‌ای است در رودرویی مستقیم با حکومت و باندهای چپاولگر مافیایی حاکم و مستقیماً سیاسی است؛ بنابراین اطلاق "مبارزه برای مطالبات روتین کارگری علیه وضعیت وخیم معیشتی"، حق مطلب را در توضیح مکان واقعی این اعتراضات بیان نمی‌کند. به عبارت روشن‌تر جنبش کارگری در ایران یک عرصه مهم مبارزه علیه بساط توحش و بردگی حاکم و یک‌پایه مهم جنبش سرنگونی است که با حرکت روبه‌جلوی آن گفتمان‌های رادیکال و برابری طلبانه هر روز جلوتر آمده است. به این اعتبار جنبش کارگری نقش مهمی در سیر تحولات سیاسی جامعه از جمله کشیده‌شدن اوضاع به انقلاب زن زندگی آزادی داشته است. از این منظر است که می‌توان جایگاه و مکان اعتصابات سراسری و فراخوان پلنوم شصت کمیته مرکزی را روشن‌تر بیان کرد.

اولین نکته این است که این فراخوان مستقیماً به اوضاع پر التهاب سیاسی جنبش کارگری و کل جامعه و مبارزات گسترده مردمی بر سر معیشت، علیه گرانی‌های کمرشکن و بساط چپاول و دزدی حاکم مربوط است. به‌ویژه اینکه در نتیجه سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت و فعال‌شدن مکانیسم ماشه و فلج اقتصادی جمهوری اسلامی، گرانی‌ها بیشتر و بیشتر و سفره خالی مردم خالی‌تر می‌شود و همانطور که در قطعنامه اشاره شده این شوک سهمگین اقتصادی و ابربحران‌های انرژی و پیامدهای مکانیسم ماشه بر خشم کارگران و کل جامعه شدت داده و می‌تواند به یک انفجار قدرتمندتر اجتماعی تبدیل شود.

در برابر چنین اتفاقی و از ترس سر بلند کردن قدرتمندتر انقلاب، حکومت دیوانه بار سرکوبگری‌هایش را شدت داده است. از جمله هم اکنون نزدیک به شصت نفر در خطر اعدام قرار دارند و طبق آمار در ایران هر سه ساعت یک زندانی اعدام می‌شود و در همین مه‌مه‌مه شمار اعدام‌ها به ۲۰۲ نفر رسیده است.

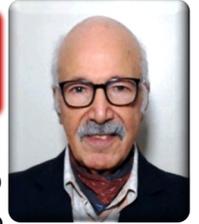
بدین ترتیب امروز جدال بین مردم و حکومت به نقطه تعیین‌کننده‌ای رسیده است. در چنین شرایطی دفاع از معیشت و حتی برای پایان دادن به چرخه آدمکشی حکومت و برای نجات جان انسان‌ها لازم است، با تعرضی گسترده و سراسری به مقابله برخاست.

اعتصابات سراسری و همزمان ابزار قدرت کارگران، معلمان، پرستاران و بخش‌های مختلف کارگری برای زدن ضربه‌ای کاری بر کمر اقتصادی

حکومت است و شکی نیست که چنین اعتصابات در تداوم خود به اعتصابات عمومی در سطح جامعه کشیده خواهد شد و می‌تواند به فضای اعتراضات در کف خیابان شدت دهد و قیام‌های شهری را در پی داشته باشد؛ بنابراین اعتصابات سراسری و همزمان هم ضروری و مبرم است و هم زمینه‌های شکل‌دادن به آن وجود دارد و باز همانطور که در قطعنامه اشاره شده هم اکنون در ایران اعتراضات بر سر معیشت در میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر و بخش‌های مختلف بازنشستگان به‌صورت هر روزه جریان دارد.

برای مثال در نفت اعتراضات کارگران رسمی و ارکان ثالث هر روزه شده است. از جمله کارگران رسمی بهره‌برداری، تعمیرات و ایمنی شاغل در ۳۸ سکوی گازی پارس جنوبی در اعتراض به سقف و کف حقوق و مشکلات معیشتی و کاری خود طی بیانیه‌ای در نوزدهم مهرماه از توقف بخشی. از کار خود از جمله عدم صدور پرمیت‌های روزانه، توقف گزارش‌های PRCC، عدم حضور در جلسات صبحگاهی، توقف ارسال گزارش تولید به دیسپچینگ و نظارت بر تولید اعتراضی اخطاری را اعلام کرده و اولتیماتومی دوهفته‌ای داده‌اند که اگر حذف کامل سقف حقوق در فیش‌ها مشاهده نشود در گام اول هیچ‌یک از کارگران رسمی سکوها سوار بالگرد (چاپر) نخواهند شد. در این بیانیه این کارگران از تمامی کارکنان صنعت نفت خواسته‌اند که برای احقاق حقوق حقه خود، به جمع آنان بپیوندید. چنین اولتیماتوم‌هایی طلایه‌هایی از حرکت به سوی اعتصابات سراسری در نفت است. نانوایان و پرستاران و رانندگان کامیون نیز با گسترده شدن اعتراضات خود و با اولتیماتوم‌هایشان دارند به میدان می‌آیند. از سوی دیگر کارگران در مراکز بزرگی چون ایرالکو در اراک با چهارهزار کارگر، لوله‌سازی خوزستان با هفت هزار کارگر، و فولاد اهواز و نیشکر هفت‌تپه و بسیاری مراکز دیگر در تدارک اعتراض هستند. به‌ویژه اینکه اعتراضات در محیط‌های کارگری خیلی سریع به خیابان کشیده می‌شود و بر فضایی سیاسی شهرها بسیار تأثیرگذار است. یک مثال بارز آن اعتراضات کارگران گروه ملی اهواز است که با تظاهرات و راهپیمایی خود در خیابان‌های شهر و در بازار تمام توجه‌ها را به خود جلب کرد و یا اعتراضات گسترده کارگران در مراکز بزرگی چون ایرالکو با وجود کارخانجات بزرگی در هم‌جواری خود ظرفیت تبدیل‌شدن به اعتصاب سراسری محلی را دارد؛ بنابراین اعتراضات کارگری حتی بر سر همان مسائل مطالباتی آن‌چنان وزن سیاسی‌ای پیدا می‌کند که گسترش و سراسری شدن آن تأثیری کیفی در فضای سیاسی کل جامعه می‌گذارد. از همین رو اعتصابات سراسری کارگری نه فقط به لحاظ اقتصادی حکومت را زیر فشار می‌گذارد، بلکه در فضای سیاسی امروز جامعه بلافاصله بر تحرک مبارزاتی شهرها تأثیر مستقیم می‌گذارد.

در چنین شرایط خطر سیاسی‌ای است که پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری بر اعتصابات سراسری و همزمان به‌عنوان ابزار قدرت طبقه کارگر در برابر حکومت‌ها و وحشی‌ها حاکم و برای زدن ضربه‌ای کاری بر اقتصاد و موجودیت این حکومت تأکید کرده است. البته بحث اصلی بر سر زمینه‌های مساعد برای شکل‌دادن به چنین اعتصابات در سطح سراسری است. در همین راستا در بند آخر این قطعنامه چنین آمده است:



غزه: وقفه‌ای برای تدارک کشتارهای بعدی؟ از صفحه نخست

ارتجاعی‌ای نظیر حماس علی‌رغم ضربات کشنده‌ای که خورده‌اند همچنان یک‌تازی می‌کنند، و می‌خواهند کل اسرائیل را به دریا بریزند، هنوز نمی‌توان امید چندانی به پیشروی در مسیر صلح واقعی داشت.

امروز جنبش وسیعی در دنیا در دفاع از فلسطین جریان دارد و وجود داشته است. در خود اسرائیل جنبش دفاع از دو دولت مستقل بسیار وسیع است. در هر دو سو نفرت وسیعی علیه جریانات اسلامی و فاشیسم اسرائیلی شکل گرفته است. ما موظفیم از این جنبش و از این گفتمان دفاع کنیم و آن را هرچه بیشتر گسترش دهیم. این تنها کوربراه و تنها مسیر قابل‌تصور برای پایان دادن به رنج تاریخی مردم غزه و فلسطین است. مقابله با تعصبات و کینه قومی و ملی، دفاع از مردم فلسطین در کنار حق مردم اسرائیل برای برخورداری از فضای امن و صلح‌آمیز، را باید هرچه وسیع‌تر دامن زد. با کینهورزی‌های بیشتر از جانب فاشیست‌های اسرائیلی و اسلامی باید فعالانه مقابله کنیم. راه دیگری برای عبور از این دره خون و جنگ و آتش نیست.

نباید فراموش کنیم که تراژدی فلسطین فقط به منطقه فلسطین محدود نیست، بلکه به قدرت‌گیری نیروهای فاشیستی اسلامی و اسرائیلی در منطقه و حتی در دنیا کمک کرده و می‌کند. گفتمان دو دولت مستقل فلسطین و اسرائیل حتی در فضای تیروتار کنونی، مثبت و امیدبخش است و باید آن را هرچه وسیع‌تر دامن بزنیم.*

فلسطینی‌های غزه با طرف مقابل مذاکره می‌کنند، در واقع دشمن خونی مردم صلح‌طلب فلسطینی هستند. آنچه می‌تواند به این مردم امید بدهد این است که بحث بر سر طرح دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی علی‌رغم میل حماس و جمهوری اسلامی و فاشیست‌های اسلامی دیگر، بیش‌ازپیش در سطح جهان مطرح شده است. همبستگی با این مردم وسیع‌تر شده است. اما این فضا که بسیار مثبت است، هنوز برای دستیابی به پایان محاصره مردم فلسطین و بی‌حقوقی و بی‌اختیاری و ناامنی زندگی آنها، کافی نیست. بارها گفتمان فلسطین مستقل در دنیا داغ شده و بعد از چندی با مقاومت نیروهای دست راستی اسرائیلی و اسلامی فروکش کرده است. آیا این بار می‌توان امیدوار بود که از دفعات قبل متفاوت باشد؟

وقتی که سکان دولت آمریکا در دست نیروهای فاشیستی‌ای نظیر ترامپ و شرکا قرار دارد که ارزشی برای حقوق انسانی و زندگی انسانی قائل نیست، و در اسرائیل دست‌راستی‌های لیکود و فاشیست‌های اسرائیلی اداره‌کننده امور هستند که اساس نگاه و سیاست‌هایشان بر مبنای برتری قومی و نژادی استوار است، و در فلسطین نیز نیروهای اسلامی و

پیرامون قطعنامه "جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان"

از صفحه ۲

اقتصادی به نقطه‌ای رسیده است که توان پاسخگویی به اولیه‌ترین نیازهای مردم را ندارد. در نتیجه مردم خود را در موقعیت بهتری برای تعرض می‌بینند و این را در فضای اعتراضی جامعه به‌روشنی می‌بینیم و یک آینه‌گوی آن گرامیداشت سومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و بلندشدن دوباره فریاد مرگ بر دیکتاتور در شعاردهی‌های شبانه بود. در چنین شرایطی است که همانطور که جلوتر اشاره کردم اعتراضات بر سر معیشت از سوی کارگران و کل جامعه گسترده‌تر شده و همراه با آن جامعه علیه سرکوبگری‌های حکومت ایستاده و جنبش قدرتمندی علیه اعدام و سرکوب شکل گرفته است. یک نمونه بارز آن اعتصاب غذای هزار و پانصد زندانی در قزل‌حصار علیه اعدام است که به نقطه عطفی مهم در این عرصه از مبارزه تبدیل شده است. اینها همه پایه‌های عینی گفتمان‌سازی وسیع بر سر اعتصابات سراسری و هم‌زمان را ایجاد کرده است. از همین رو بند الف این قطعنامه تأکیدی بر روی ممکن بودن، مؤثر بودن و راهگشا بودن اعتصابات سراسری در یک بخش جامعه، و اتحاد و به هم پیوستن کارکنان بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی و خدماتی است که می‌تواند افق تازه‌ای را در مقابل جامعه بگشاید. بندهای بعدی قطعنامه در جهت راه‌های اجرایی کردن فراخوان اعتصابات سراسری و هم‌زمان قرار دارد. بر همین اساس این قطعنامه بر نقش تشکلهای، نهادها و رهبران و اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در گفتمان‌سازی و سازماندهی برای اعتصابات سراسری هم‌زمان به‌عنوان حلقه کلیدی برای شکل‌دهی به آن در شهرهای مختلف و در سطح کشوری تأکید ویژه‌ای دارد و تأکید دیگر آن بر اتحاد سراسری رهبران و اکتیویست‌های کارگری و کنشگران اجتماعی، علیه فقر و بی‌تامینی، و در برابر سرکوب و اعدام و بساط جنگ‌افروزی‌های حاکم به‌عنوان پاسخی فوری و حیاتی به این نیاز و ایجاد آمادگی برای فراخوان‌های گسترده به اعتصابات سراسری هم‌زمان متناسب با شرایط کنونی است. بدین ترتیب قطعنامه پاسخ عملی فراخوان را هم داده است. تلاش حزب بردن فعالانه این گفتمان‌ها به درون جامعه و شکل‌دادن به اتحاد مبارزاتی سراسری جهت تدارک اعتصابات سراسری و هم‌زمان کارگری است.*

"پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری تمامی تشکلهای، اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن زندگی آزادی را به یک اتحاد سراسری برای شکل‌دادن به اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان، به‌عنوان یک پاسخ فوری در مقابله با اوضاع مشقت‌بار معیشتی و شرایط خطیر سیاسی امروز فرامی‌خواند و جهت به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بر آن تأکید می‌کند."

انتر ناسیونال: مسئله بعدی، تأثیر عملی چنین قطعنامه‌هایی بر پراتیک حزب و جنبش کارگری است. اتفاقی که همیشه و برای همه قطعنامه‌های مصوب نمی‌افتد. چه باید کرد تا این قطعنامه تبدیل به نیروی مادی برای ایجاد تغییرات موردنظر خود شود؟

شهلا دانش‌نفر: این قطعنامه پراتیک و عمل را همراه خود دارد. پایه‌های آن بر اوضاع سیاسی همین امروز جامعه و اعتراضاتی که در کف خیابان‌ها و در میان بخش‌های مختلف کارگری - اجتماعی جریان دارد گذاشته شده است؛ بنابراین من به پراتیک آن و شکل‌گیری یک همگرایی وسیع و اجتماعی برای تدارک آن بسیار امیدوارم. برای مثال شما حتماً اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون که قبل از جنگ دوازده‌روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل با فراخوانی سراسری شکل گرفته بود را به‌خاطر دارید. همه دیدیم که این اعتصابات خصوصاً هم‌زمانی آن با اعتصابات نانوایان چگونه گفتمان اعتصابات سراسری را جلو آورد و چگونه موجی از حمایت و همبستگی را همراه داشت و بازتابی جهانی پیدا کرد. جنگ دوازده‌روزه وقفه‌ای در این فضای اعتراضی ایجاد کرد. اما بعد از تسلیم جمهوری اسلامی به آتش‌بس و ضربات سنگینی که به جمهوری اسلامی وارد آمد تغییری کیفی در اوضاع سیاسی جامعه ایجاد شد. از جمله صفوف حکومت در هم ریخته‌تر از هر وقت شد و امروز در سطح جهانی در انزوای کامل قرار گرفته و کار به فعال‌شدن مکانیسم ماشه و تحریم‌های گسترده‌تر کشیده شده است. همچنین رژیم به لحاظ

قطعه نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد

جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان

بگشاید.

پ- تشکل‌ها، نهادها و رهبران و اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی نقش مهمی در گفتمان‌سازی و سازماندهی برای اعتصابات سراسری همزمان دارند و حلقه کلیدی برای شکل‌دهی به آن در شهرهای مختلف و در سطح کشوری هستند.

ث- اتحاد سراسری رهبران و اکتیویست‌های کارگری و کنشگران اجتماعی، علیه فقر و بی‌تامینی، و در برابر سرکوب و اعدام و بساط جنگ‌افروزی‌های حاکم می‌تواند پاسخی فوری و حیاتی به این نیاز و ایجاد آمادگی برای فراخوان‌های گسترده به اعتصابات سراسری همزمان متناسب با شرایط کنونی باشد.

ج- اعتصابات سراسری در بخش‌های مختلف جنبش کارگری، فضا و زمینه را برای ورود بخش‌های دیگر جامعه از جمله دانشجویان، کسبه، وکلا، پزشکان، نویسندگان، هنرمندان و ارتقای اعتصاب سراسری کارگران به یک اعتصاب عمومی در کل جامعه فراهم می‌کند. اتفاقی که نقش مؤثری و تعیین‌کننده‌ای در تغییر توازن قوای سیاسی به نفع مردم به‌پاخواسته، درهم شکستن مقاومت طبقه حاکم و پیروزی انقلاب مردم ایفا می‌کند.

چ- پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری تمامی تشکل‌ها، اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی را به یک اتحاد سراسری برای شکل‌دادن به اعتصابات سراسری گسترده و همزمان، به‌عنوان یک پاسخ فوری در مقابله با اوضاع مشقت‌بار معیشتی و شرایط خطرناک سیاسی امروز فراموش‌نشد و جهت به پیروزی رساندن انقلاب زن، زندگی، آزادی بر آن تأکید می‌کند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴ - ۵ اکتبر ۲۰۲۵

۱. ابربحران‌های عمیق انرژی و اقتصادی که شامل بی‌آبی و بی‌برقی و کمبود گاز، تورم و گرانی کمرشکن است، زندگی اکثریت مردم در سراسر جامعه را به لبه پرتگاه کشانده است. تحریم‌های گسترده‌ای که با فعال کردن "مکانیسم ماشه" در چشم‌انداز است، قطعاً ضربه مهلک‌تری به معیشت مردم وارد خواهد کرد.

۲. کارگران و کل مردم برای ادامه زندگی حتی در سطح حداقل آن، راهی جز مقابله و اعتراض هر روزه علیه تعرضات معیشتی حکومت و عقب زدن آن ندارند.

۳. هم اکنون در ایران اعتراضات بر سر معیشت در میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر نظیر نفت و ماشین‌سازی‌ها و پرستاران و معلمان و همچنین در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان به‌صورت هر روزه جریان دارد. اعتراضات بخش‌های مختلف طبقه کارگر در صف جلوی مبارزه بر سر معیشت، با خود گفتمان‌های رادیکال و برابری‌طلبانه را جلو آورده و فریاد برابری‌طلبی و لغو فاصله طبقاتی به کف خیابان آمده است.

۴. این شوک سهمگین اقتصادی، ابربحران‌های انرژی و پیامدهای مکانیسم ماشه می‌تواند با تشدید خشم کارگران و کل جامعه، به یک انفجار قدرتمندتر اجتماعی منجر شود.

باتوجه به این شرایط:

الف- مؤثرترین ابزار کارگران و معلمان و پرستاران و بخش‌های کارکن جامعه برای برون‌رفت از این وضعیت وخیم، «اعتصابات سراسری و متحدانه و همزمان» است. با این مکانیسم است که می‌توان تعرضات حکومت و مافیای سرمایه‌داری به معیشت مردم را عقب زد.

ب- اعتصابات سراسری در یک بخش جامعه، و اتحاد و به هم پیوستن کارکنان بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی و خدماتی، کاملاً امکان‌پذیر و مؤثر و راهگشاست و می‌تواند افق تازه‌ای را در مقابل جامعه



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام

گامی بلند به سوی ایران بی دار!

همچون گذشته برای لغو مجازات اعدام هیچ تلاشی را فرونگذاریم. ما نیز به سهم خود همه مردم ایران و همه ایرانیان خارج کشور را فرامی خوانیم از این اعتصاب فعالانه حمایت کنند. تنها با برپایی یک جنبش وسیع و گسترده در داخل و خارج کشور است که می توان سلاح مخوف اعدام را از کف کثیف جمهوری اسلامی خارج کرد.

لازم است یادآور شویم که اعتصاب علیه اعدام در ایران محدود به زندانیان نبوده است. در چند مورد مردم شهرهای کردستان و همچنین مردم سمیرم دست به اعتصاب عمومی علیه اعدام زده اند. بی شک اعتصاب زندانیان قزل حصار باید با حمایت فعال کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، هنرمندان، ورزشکاران و همه بخش های جامعه روبرو شود و زمینه ها، اجماع عمومی و در نتیجه شرایط برپایی اعتصابات سراسری و عمومی با خواست لغو فوری همه احکام اعدام را فراهم آورد.

بار دیگر دست زندانیان اعتصابی قزل حصار را به گرمی می فشاریم و همراه آنها اعلام می کنیم که اعدام ها را در ایران باید فوراً و همین امروز متوقف کرد. باید به قدرت اتحاد و دخالت فعال همه بخش های جامعه ایران، چه در داخل و چه در خارج، به این جنایت نقشه مند دولتی به نام عدالت، به این ابزار ترور و ارباب جامعه و به این مصداق جنایت علیه بشریت برای همیشه پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۴ - ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵

اعتصاب غذای زندانیان زندان قزل حصار و حمایت خانواده ها و زندانیان دیگر از آنان که از دوشنبه گذشته ۲۱ مهر ۱۴۰۴ برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵ شروع شده است موجی وسیع از حمایت بخش های مختلف مردم ایران و همچنین ایرانیان ساکن خارج کشور را برانگیخته و توجه بین المللی را به خود جلب می کند. این حرکت در ادامه اقدام بی نظیر "سه شنبه های نه به اعدام" رخ می دهد که آن هم اتفاقاً از قزل حصار شروع شد و اکنون نود هفته است ادامه دارد و حمایت زندانیان ۵۲ زندان کشور را به خود جلب کرده است. بدین ترتیب ۱۵۰۰ زندانی زیر اعدام محبوس در زندان قزل حصار، این قلعه اعدام و مرکز ماشین مخوف قتل حکومتی در ایران، اکنون گامی مؤثرتر و جسورانه تر برداشته و پرچم لغو مجازات اعدام در ایران را بالاتر از گذشته به اهتزاز درآورده اند.

ما همراه میلیون ها ایرانی که سال هاست از اعدام ها به تنگ آمده اند، همراه همه خانواده هایی که عزیزانشان قربانی ازدهای هفت سر اعدام های جمهوری اسلامی شده اند، همراه بازنشستگان و معلمان و کارگران و دانشجویان و هنرمندان و وکلا و نویسندگان که حق زندگی و نه به اعدام را در اجتماعات خود و در خیابان ها و یا بیانیه های خود فریاد می زنند، همراه جنبش وسیع دادخواهی که خواهان محاکمه همه آمران و عاملان اعدام های جمهوری اسلامی هستند و همراه ایرانیان ساکن شهرهای جهان که هر هفته علیه اعدام ها در ایران به خیابان می آیند، دست تکتک زندانیان اعتصابی قزل حصار را به گرمی می فشاریم و پیمان می بندیم که با تمام امکانات و توان خود از اعتصابشان حمایت کنیم و



اعتصابی بی سابقه علیه اعدام در قتلگاه قزل حصار

مصاحبه با حسن صالحی



انترناسیونال: از روز ۲۱ مهر در زندان

قزل حصار شاهد اعتراضات و اعتصاب غذای بزرگی علیه احکام اعدام بودیم. لطفاً

کمی بیشتر خوانندگان ما را در جریان چگونگی شکل گیری و ادامه این اعتراضات قرار دهید.

حسن صالحی: بله همانطور که اشاره کردید دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱، برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵، در آستانه نودمین هفته اعتصاب غذای زندانیان در سه شنبه‌های هر هفته برای لغو احکام اعدام، زندانیان قزل حصار - همان کسانی که کارزار «سه شنبه‌های نه به اعدام» را راه اندازی کردند - وارد اعتصابی شده‌اند که توجه همگان را به خود جلب کرده است.

حدود ۱۵۰۰ زندانی که عمدتاً با اتهامات مربوط به مواد مخدر روبه‌رو بوده و تحت حکم اعدام قرار دارند، پس از آنکه ۱۵ یا ۱۶ نفر از زندانیان برای اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شدند، دست به اعتراض و اعتصاب غذا زدند. همان‌طور که می‌دانید، زندان قزل حصار یکی از زندان‌هایی است که جمهوری اسلامی بیشترین اعدام‌ها را در آن اجرا می‌کند. زندانیان نیز به‌درستی این زندان را «قتلگاه» نامیده‌اند. این اعتصاب در واحد ۲ زندان قزل حصار، در سالن‌های ۱ تا ۴ شکل گرفت و زندانیان واحد ۴ نیز از آن حمایت کردند. این اعتصاب در شامگاه ۲۲ مهر با تجمع و اعتراض خانواده‌های محکومان به اعدام در مقابل زندان همراه شد. خواسته‌ها چه درون زندان و چه بیرون آن روشن بود: "نه به اعدام"، "لغو فوری حکم اعدام" و "اعدام نکنید"! زندانیان اعتصابی در بیانیه‌ای از داخل زندان از مردم خواسته‌اند: "پناه ما شماست، مردم عزیز ایران. حق ما اعدام نیست. صدایتان را بلند کنید، در برابر زندان‌ها بایستید و نگذارید ما را بکشند."

"نگذارید ما را بکشند" فریاد و خواست بخش‌هایی از جامعه است که در واقع قربانیان نظام فاسد، ستمگر و زورگوی جمهوری اسلامی‌اند. آنان قربانیان فقر، نداری و بی‌حقوقی هستند و اگر هم خطایی مرتکب شده‌اند، در نتیجه ناهنجاری‌هایی بوده است که این رژیم برای مردم ایران به وجود آورده است. جمهوری اسلامی به‌جای آنکه فقر را ریشه‌کن کند، فقرا را نابود می‌کند. زندانیان می‌گویند حتی اگر خطایی هم مرتکب شده باشند، سزاوار اعدام نیستند و باید در مجازاتشان تخفیف داده شود. حاکمیت تلاش دارد این زندانیان را هیولا جلوه دهد تا کسی برای لغو حکم اعدام از آنها حمایت نکند. اما این تلاش‌ها با انتشار فیلم‌هایی از وضعیت زندانیان دردمند در داخل زندان عملاً بی‌اثر شده است. این افراد، ضعیف‌ترین، بی‌پناه‌ترین و از قربانیان مستقیم نظام ستمگر، فاسد و سوجدوی جمهوری اسلامی هستند. رژیم به‌جای آنکه پوشاک، غذا و سرپناه در اختیار مردم قرار دهد، جانشان را می‌گیرد تا نشان دهد نه تنها هیچ مسئولیتی در قبال شهروندان احساس نمی‌کند، بلکه عملاً گمراه‌گمراه به ناپودی آنان بسته است.

جمهوری اسلامی از این اعتصاب بی‌سابقه به خشم آمده است. ادعا می‌کنند دست "ضدانقلاب" در کار است و "کارزار تخریب" علیه زندان‌های جمهوری اسلامی به راه افتاده است. البته منظور رژیم از ضدانقلاب روشن است. به مردم حق‌خواه که این رژیم را نمی‌خواهند و به نیروهای اپوزیسیونی که علیه اعدام زندانیان به میدان آمده‌اند ضدانقلاب می‌گویند و حالا معلوم شده که این حق‌خواهی در همه‌جا و در زندان‌های جمهوری اسلامی هم موج می‌زند. اعتصاب در زندان

قزل حصار همچون یک بمب خبری در همه‌جا منتشر شده است. همانطور که گفتیم زندانیان واحد ۴ قزل حصار از ایستادگی دوستان خود در واحد ۲ و همچنین خانواده‌هایشان در مقابل زندان حمایت کرده‌اند. زندانیان اوین و رجائی شهر نیز با این اعتصاب همراهی کرده‌اند و زندانیان سیاسی بند ۷ اوین و جمعی از زنان زندانی سیاسی اوین از اعتصاب غذای قزل حصار در مخالفت با اعدام حمایت کرده‌اند. در هر صورت پیام از زندان قزل حصار قوی و رسا است:

"ما، جمعی از زندانیان اعتصابی در واحد ۲ قزل حصار، خواستار لغو مجازات اعدام در ایران هستیم. بساط اعدام و چوبه‌های دار باید از ایران برچیده شود. چرا و تا کی باید دولت با نام قانون جان انسان‌ها را بگیرد؟"

انترناسیونال: اهمیت این صدای رسا علیه اعدام آن هم از دل یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های رژیم چیست؟ این حرکت اعتراضی چه کمکی به جنبش علیه اعدام و عقب‌نشینی احتمالی حکومت در مقابل آن می‌کند؟

حسن صالحی: این حرکت اعتراضی، صرف‌نظر از اینکه چه پایانی داشته باشد، تا همین‌جا به یک موج بیداری و تحرک در مبارزه علیه اعدام دامن زده است و می‌توانیم از آن به‌عنوان یک نقطه عطف در جنبش علیه اعدام یاد کنیم.

همه می‌دانیم که هدف جمهوری اسلامی، چه آن زمان که مبارزان، معترضان و حق‌خواهان را اعدام می‌کند و چه هنگامی که شهروندان را به اتهاماتی مرتبط با مواد مخدر، قتل یا موارد دیگر اعدام می‌کند، این است که نشان دهد کنترل جامعه و جان و هستی مردم را در اختیار خود دارد و از این طریق می‌خواهد مردم را مطیع خود سازد یا به‌زعم خودشان، مرگ اعدام‌شدگان را برای مردم "عبرت" کند. در شرایطی که جمهوری اسلامی، مثل حالا، پایه‌های حاکمیت خود را لرزان می‌یابد به اعدام‌های بیشتری روی می‌آورد تا به قیمت کشتار مردم زنده بماند.

اعتصاب زندانیان قزل حصار را باید در متن همین شرایط بررسی کرد. پیش‌ازین، زندانیان در زندان‌های مختلف کشور هر سه‌شنبه علیه اعدام دست به اعتصاب غذا می‌زدند، اما از آن اعتصاب‌ها هیچ تصویری در دست نداشتیم. این بار - اگر اشتباه نکنم - نخستین مرتبه بود که تصاویر صدها زندانی که یک‌صد شاعر "نه به اعدام" سر می‌دادند، به بیرون از زندان مخابره شد. زندانیان درمندی که با زبان خود حال‌وروشان را توصیف می‌کنند و خواسته‌ها و مطالباتشان را با مردم ایران و جهان در میان می‌گذارند. اینکه در جمهوری اسلامی، نفس سلول‌های مرگ به کانونی داغ برای زندگی و مقابله با اعدام و مرگ تبدیل می‌شود، خود واقعه‌ای بسیار مهم است.

این حرکت اعتراضی محکومان به مرگ، نگاه و توجه جامعه را به بخش بزرگی از اعدام‌های جمهوری اسلامی جلب کرد؛ اعدام‌هایی که تقریباً نیمی از کل اعدام‌ها در ایران را تشکیل می‌دهند و عمدتاً به جرایم موسوم به مواد مخدر مرتبط‌اند. به نظر من، تصاویر مخابره شده از این اعتصاب و درخواست کمک زندانیان از مردم ایران، به تغییر قضاوت و برداشت بسیاری از شهروندان منجر می‌شود که شاید پیش‌تر درباره این افراد و در مورد اعدام نظر دیگری داشتند. این حرکت، هیولاسازی رژیم از این زندانیان را خنثی می‌کند و احساس همبستگی مردم با مبارزه آنان برای لغو

اعتصابی بی سابقه علیه اعدام در قتلگاه قزل حصار

از صفحه ۶

مجازات اعدام را تقویت می‌سازد. خود این زندانیان گفته‌اند: "ما نیز بخشی از همین مردم هستیم و اگر خطایی هم مرتکب شده‌ایم، حقمان اعدام نیست."

همان‌طور که می‌دانید، جمهوری اسلامی با اعدام محکومان به جرایم مربوط به مواد مخدر بر بی‌تفاوتی شهروندان و کم‌هزینه‌بودن این اعدام‌ها حساب کرده بود. اما حالا این تصویر تا حد زیادی دگرگون شده و این پیام جایگزین آن شده است که جان هر انسانی - صرف نظر از هر جرمی که مرتکب شده - اهمیت دارد و این کشتار باید خاتمه یابد. این همبستگی و همراهی بیشتر مردم در مخالفت با اعدام، بزرگ‌ترین دستاورد این اعتصاب است و بی‌تردید جنبش ضد اعدام را بیش از پیش تقویت خواهد کرد و راه را برای متوقف کردن ماشین آدم‌کشی. جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه‌ای بدون دار و نمایش مرگ هموار می‌سازد!

انترناسیونال: مهم‌ترین وظایف جنبش عظیم علیه اعدام در داخل و خارج از کشور برای حمایت از این حرکت اعتراضی چیست؟ چگونه می‌توان و باید صدای زندانیان اعتصابی قزل حصار شد؟

حسن صالحی: اولین نکته این است که همه ما باید اخبار مربوط به این اعتصاب را همه‌جا منتشر کنیم، درباره‌اش حرف بزنیم و به طور گسترده از آن حمایت کنیم. خوشبختانه، اخبار این اعتصاب در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های فارسی‌زبان و همچنین به زبان انگلیسی بازتاب وسیعی داشته است.

به نظر من بسیار مهم است که نهادهای تشکلی کارگری و مردمی نیز با انتشار اخبار این اعتراضات یا با صدور بیانیه‌های رسمی درباره این حرکت سخن بگویند و از آن پشتیبانی کنند. تاکنون نهاد "اعدام نکنید"، شورای بازنشستگان، ندای زنان ایران و اتحادیه آزاد کارگران از جمله مجموعه‌هایی بوده‌اند که با گرمی از این حرکت شجاعانه حمایت کرده‌اند.

جا دارد نهادهای دیگری مانند شورای هماهنگی تشکلی‌های صنفی فرهنگیان، سندیکای کارگران شرکت واحد، دادخواهان، کانون نویسندگان و سایر نهادهای مدنی - که فهرست بزرگی را تشکیل می‌دهند - از اقدام اعتراضی زندانیان علیه اعدام حمایت کنند. مبارزه علیه اعدام، یک مبارزه همگانی است و همه ما باید در آن مشارکت داشته باشیم؛ به‌ویژه زمانی که این مبارزه در درون سلول‌های مرگ جمهوری اسلامی شکل گرفته است. جا دارد هنرمندان، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران، بازنشستگان و همه بخش‌های مختلف جامعه در اعتراضات جاری خود و یا با بیانیه‌ها و طومارهای اعتراضی، این اعتصاب ضد اعدام را مورد توجه قرار دهند و از آن حمایت کنند.

تا آنجا که به خود این اعتصاب برمی‌گردد، این حرکت نباید به یک زندان محدود بماند. تا کنون زندانیان هر سه‌شنبه در ۵۲ زندان کشور علیه اعدام دست به اعتصاب غذا زده‌اند. اما فراتر از این، لازم است که در همراهی با این اعتصاب مشخص، زندانیان در همه زندان‌ها نیز به هر شکل که می‌توانند همبستگی نشان دهند تا جمهوری اسلامی نتواند این اعتراض را در هم بشکند. اگر همه زندان‌ها درگیر اعتصاب‌های مشابه شوند، توان سرکوب رژیم در مقابله با معترضان به طور قابل‌توجهی کاهش خواهد یافت.

در خارج از کشور نیز در شهرهایی مانند استکهلم، مالمو، کُن، تورنتو، ونکوور، هانوفر، لندن، گوتنبرگ و فرانکفورت، اعتراضاتی در دفاع از خواست این زندانیان - یعنی لغو اعدام - برگزار شده یا در حال تدارک است. برای روز سه‌شنبه، هم‌زمان با نود و یکمین هفته از "کارزار

سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، در نزدیک به ۱۵ شهر جهان یک تحصن سراسری در اعتراض به اعدام‌ها در ایران، در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان قزل حصار و همچنین با خواست آزادی زندانیان سیاسی تدارک‌دیده‌شده است. همچنین شماری از شهروندان با انتشار ویدئوهای حمایتی کوتاه در شبکه‌های اجتماعی از اعتصاب زندانیان قزل حصار پشتیبانی کرده‌اند و این کار همچنان ادامه دارد.

ما باید بکوشیم که خبر این اعتصاب را به گوش همه دنیا برسانیم و توجه افکار جهانی را به اعدام‌های سرسام‌آور جمهوری اسلامی در زندان‌ها جلب کنیم تا بتوانیم یک اعتراض بین‌المللی در حمایت از جنبش ضد اعدام در ایران دامن بزنیم. همچنین باید با نهادهای بین‌المللی و دولت‌هایی که مدعی دفاع از حقوق بشر هستند فشار بیاوریم و از آن‌ها بخواهیم در برابر اعدام‌های گسترده در ایران سکوت نکنند. جامعه جهانی و این دولت‌ها باید با اقدامات قاطع، مانند قراردادن قضات مرگ در فهرست تحریم‌ها، فراخواندن سفرای خود از تهران، احضار سفرای جمهوری اسلامی و حتی بایکوت کامل این رژیم، در برابر توحش و جنایات رژیم اسلامی بایستند و از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی این رژیم به حمایت برخیزند.

توضیح:

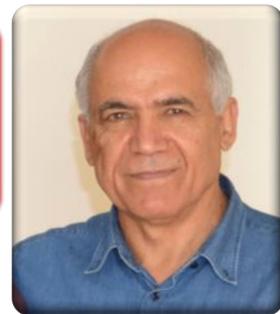
مصاحبه‌ای که ملاحظه می‌کنید در زمانی صورت گرفته است که اعتصاب زندانیان قزل حصار جریان داشت. طبق آخرین اخبار این اعتصاب در هفتمین روز خود یعنی ۲۷ مهر ۱۴۰۴ با وعده‌هایی که مقامات جمهوری اسلامی به زندانیان اعتصابی داده‌اند به طور موقت پایان یافته است.

نمایندگانی از قوه قضائیه رژیم به همراه رئیس سازمان زندان‌ها و رئیس زندان قزل حصار در گفتگو با نمایندگان زندانیان قول داده‌اند که در قزل حصار به مدت ۶ ماه هیچ اعدامی صورت نگیرد تا اصلاح قانون مجازات اعدام در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. بعد از این قول و وعده رژیم که به‌طور قطع نتیجه مبارزه خود زندانیان و حمایت عمومی از خواست آنها مبنی بر لغو اعدام است، زندانیان تصمیم می‌گیرند به اعتصاب خود به طور موقت پایان دهند. زندانیان با قیدردانی از حمایت‌های مردمی اعلام کردند: تا زمانی که این توافق پایبند خواهند بود که مسئولین قضایی به وعده‌های خود عمل کنند.

بنا به اخبار رسیده زندانیان واحد ۲ زندان قزل حصار نیز به کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام خواهد پیوست.



سلطنت و اعدام مصاحبه با اصغر کریمی



بی حقوقی کامل کارگران و کل جامعه می تواند سودآور باشد. به این معنی در سطحی پایه‌ای اینها نه آزادی‌های سیاسی و آزادی تشکلهای کارگری و توده‌ای یا آزادی اعتصاب را برمی‌تابند و نه آزادی فعالیت سیاسی و آزادی احزاب مخالف را. در سطح سیاسی نیز تمام‌قد در مقابل جنبش‌های آزادی‌خواهانه و انقلاب زن، زندگی، آزادی هستند و کلاً به این جنبش و به کلیه جنبش‌های آزادی‌خواهانه در ایران با نفرت نگاه می‌کنند و هر چه این جنبش‌ها بیشتر رشد می‌کنند اینها جا را برای خود تنگ‌تر می‌بینند و منزوی‌تر می‌شوند. اینها با مفاهیم آزادی‌خواهانه به‌طورکلی بیگانه‌اند و می‌دانند که چه تلاشی، هرچند مذبوحانه، کردند که زن، زندگی، آزادی را با مرد، میهن، آبادی و زن، زندگی، پهلوی جایگزین کنند. جنبش کارگری، جنبش آزادی زندانیان سیاسی، جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهی، جنبش دانشجویی، جنبش دفاع از حقوق کودک و همه جنبش‌های دیگر متعلق به چپ جامعه هستند. روشن است که جریان راست با خصومت و نفرت به این جنبش‌ها نگاه می‌کند. بی‌جهت نیست که در خیابان‌های اروپا هر جا توانستند علیه تجمعات اعتراضی مردم سم‌پاشی و فحاشی کردند. علی‌رغم اینکه می‌دانند که اظهارات شنيع قاسمی نژاد و امیرحسین اعتمادی و دیگر

مشاورین رضا پهلوی موجب رسوایی بیشتر اینها می‌شود؛ اما حتی تلاشی برای خنثی کردن آن نکردند. رضا پهلوی بسیار مواج است؛ اما به نظر می‌رسد مشاورینی که برای خود انتخاب کرده، ستون فقرات طرف‌دارانش و لمپن‌های خیابانی که در دفاع از سلطنت و ساواک گاهی در اینجا و آنجا تجمع می‌کنند، از خود او منسجم‌ترند و به‌خوبی جریان سلطنت طلب را نمایندگی می‌کنند.

یک نکته مهم دیگر برخورد اینها به مردم فلسطین است. درست در شرایطی که بیش از هفتاد هزار نفر فلسطینی از جمله هزاران کودک توسط ارتش اسرائیل جانشان را از دست داده‌اند، عده زیادی در اثر گرسنگی جانشان را از دست داده و بیش از یک میلیون نفر آواره شده‌اند درست در همین شرایط با بی‌رحمی تمام اینها صدایشان درآمده که چرا اعدام فلسطینی‌ها در دستور کار حکومت اسرائیل نیست و چرا مجازات اعدام در این کشور لغو شده است. همین یک قلم کافی است تا بدانیم که اینها چه جریان دست راستی خطرناک و بی‌رحمی هستند.

در هر صورت کسی که در اوج اعتراض زندانیان علیه اعدام، از اعدام دفاع می‌کند، این یعنی آشکارا دارد علیه این اعتراض بحق زندانیان شمشیر می‌کشد و به اعدام‌های جمهوری اسلامی مشروعیت می‌دهد. اینها امروز محل اعتراضات بحق مردم و انقلاب زن، زندگی، آزادی هستند و فردا اگر در جایی دستشان به قدرت برسد از هیچ جنایتی فروگذار نخواهند کرد. افراد شریفی که به هر دلیل مخالف اعدام و طرف‌دار آزادی‌های سیاسی و یک جامعه آزاد هستند و همچنان از این جریان دفاع می‌کنند با هر موضع‌گیری

انترناسیونال: در روزهای اخیر و هم‌زمان با اعتصاب باشکوه زندانیان قزل‌حصار علیه اعدام، شاهد موضع‌گیری‌هایی از جریان راست سلطنت طلب و نزدیکان و مشاورین رضا پهلوی در مورد شکایت از نبود مجازات اعدام فلسطینیان در اسرائیل بودیم. آیا می‌توان گفت که جریان سلطنت طلب به‌طورکلی طرف‌دار مجازات اعدام است؟

اصغر کریمی: قطعاً می‌توان گفت که این جریان طرف‌دار مجازات اعدام است. سعید قاسمی نژاد مشاور اصلی رضا پهلوی استارت دفاع از اعدام رازد و هم‌کیشان او، از چهره‌های اصلی رضا پهلوی تا لمپن‌ها و اوباش سایبری این جریان و همین‌طور کانال دست راستی من و تو که حامی رضا پهلوی و جریان سلطنت طلب است به دفاع از او برخاستند. این سیاست عمومی آنها است. رضا پهلوی تحت فشار فضای قدرتمند علیه اعدام مجبور شد جاهایی خود را مخالف اعدام جا بزند. اما این موضع‌گیری عاریه‌ای است. در شرایطی که جمهوری اسلامی هر روز اعدام می‌کند و فعالیت‌های هر روزه و قابل توجه و چشمگیری در ایران و خارج کشور جریان دارد نه رضا پهلوی و نه هیچ نهاد سلطنت طلبی کوچک‌ترین تحرک و کارزاری علیه اعدام سازمان نداده است. البته اینها هیچگاه علیه هیچ‌کدام از جنایات جمهوری اسلامی یا در دفاع از جنبش‌های مختلف اجتماعی در ایران کار خاصی نکرده‌اند. اگر رضا پهلوی که رهبر جریان سلطنت است، مخالف مجازات اعدام بود چنین مشاورینی که این‌طور بی‌شرمانه تقاضای اعدام می‌کنند نمی‌داشت. اگر مخالف مجازات اعدام بود بلافاصله علیه مشاورینش موضع می‌گرفت و فوراً از آنها فاصله



می‌گرفت. اگر مخالف مجازات اعدام بود بلافاصله علیه همسرش که شعار مرگ بر سه مفسد می‌دهد موضع می‌گرفت. در همایش مونیخ آنجا که حاضرین در دفاع از اعدام هورا کشیدند، پا می‌شد علیه اعدام سخنرانی می‌کرد. پا می‌شد علیه ساواک که پرونده صدها اعدام و هزاران شکنجه دارد حرفی می‌زد. این جریان طرف‌دار شکنجه و اعدام و تجاوز به مخالفین و کشتار آنها است. این را سلطنت طلبان در تجمعات خود در سه سال گذشته به کرات نشان داده‌اند. نباید انتظار دیگری از آنها داشت.

انترناسیونال: چرا جریان سلطنت طلب چنین سیاستی در قبال مجازات شنيع اعدام دارد؟ این سیاست از کجا ناشی می‌شود؟

اصغر کریمی: اینها یک جریان دست راستی هستند که قشر بسیار کوچکی از جامعه یعنی بخشی از طبقه حاکم را نمایندگی می‌کنند. طرف‌دار سرمایه‌داری و بازار آزاد هستند، در سطح بین‌المللی طرف‌دار راست‌ترین جناح‌های بورژوازی مثل ترامپ و جمهوری‌خواهان در آمریکا یا نتانیاهو در اسرائیل هستند. اگر هیتلر هم زنده بود اینها بدون شک او را ستایش می‌کردند. در ایران سرمایه با استثمار عربان و شدید و در نتیجه

جمهوری اسلامی فرصت‌ها و چالش‌ها



نسان نودیپیان

آنچه امروز ما در بُعد منطقه‌ای شاهد آن هستیم تغییر موازنه به نفع ائتلاف آمریکا - اسرائیل و تعدادی از کشورهای عربی است. بحران منطقه‌ای و سلب قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی عمیق‌تر و انزوی کامل منطقه‌ای در کشورهای (سوریه، لبنان، عراق و یمن) است. پروسه‌ای که بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به حملات مرگبار اسرائیل به حزب‌الله لبنان و حماس منجر شد. سقوط بشار اسد و متعاقباً حملات کوبنده به سپاه قدس جمهوری اسلامی، کشتن ده‌ها نفر از فرماندهان و رهبران حزب‌الله لبنان و حماس و فرماندهان سپاه پاسداران (قدس) و تهدیدهای جدی عراق و حشدالشعبی و اخیراً کشتن تعدادی از فرماندهان رده‌بالای حوثی‌ها در لبنان رویدادهای موجب انزوی منطقه‌ای جمهوری اسلامی در دوره جنگ دوساله اسرائیل در منطقه هستند که بر انزوا و ناتوانی دیپلماتیک او تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است.

در روند صلح غزه که با میانجیگری مصر، قطر، ترکیه و آمریکا پیش رفت، جمهوری اسلامی نقش میدانی مؤثر و فعالی در آتش‌بس نداشت. توان دیپلماتیک را در پروسه صلح غزه از دست داده بود و فاقد اعتماد بین‌المللی و شرکت در مذاکرات بود.

شکست جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه در حالی رونمایی شد که زمانی و با سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلار در منطقه به‌ویژه در چهار کشور لبنان، سوریه، عراق و یمن از موقعیت برتر و قدرقدرت نظامی و سیاسی بالایی در مقابله با اسرائیل و آمریکا برخوردار بود.

امروز ناظران سیاسی معتقدند که نفوذ جمهوری اسلامی در تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی و استراتژیک حماس به شدت کم شده و کاهش چشمگیری دارد. به بیان

دیگر یکی از نیروهای محور مقاومت جمهوری اسلامی به دنیای عرب سنی و نظام منطقه‌ای قطر، مصر و ترکیه نزدیک شده و از جمهوری اسلامی فاصله گرفته است.

تن دادن حماس به امضای طرح صلح ترامپ - نتانیاهو نشانه پایین آمدن نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و در حاشیه قرارگرفتن او در معادلات منطقه‌ای است. دوره‌ای طولانی بیش از چند دهه ترکیه در حاشیه تحولات منطقه‌ای خاورمیانه قرار گرفته بود، اما بعد از شکست‌های نیروهای محور مقاومت جمهوری اسلامی این ترکیه است که به مرکز دخالتگری منطقه‌ای خاورمیانه تبدیل شده و در پروسه صلح ترامپ جزو سه کشور مهم و دخالتگر قرار گرفته است.

پایان جنگ غزه و آتش‌بس همراه با پیشرفت طرح صلح ترامپ - نتانیاهو به تضعیف موقعیت محور مقاومت، تشدید بحران حزب‌الله لبنان (تا مرحله خلع سلاح توسط دولت لبنان و حمایت‌های میلیاردی آمریکا برای دسترسی به خلع سلاح حزب‌الله لبنان)، تحت فشار قرارگرفتن حوثی‌ها و کشتن تعداد

بعد از سخنرانی ترامپ در کنست (پارلمان اسرائیل) و کنفرانس شرم‌الشیخ و امضای طرح نهایی صلح (آتش‌بس) در غزه، سایت اینترنتی تابناک در مطلبی به نقل از «استیو ویتکاف» نماینده «دونالد ترامپ» نوشته؛ پایان دادن به جنگ غزه و اوکراین و دستیابی به توافق جدید با ایران درباره برنامه هسته‌ای اولویت‌های ترامپ تعریف شده است.

به گفته ترامپ «جرد کوشش» مسئول دستیابی به توافق صلح با جمهوری اسلامی است. صلح ترامپ با جمهوری اسلامی بر چند شرط از جمله «بهرسمیت شناختن اسرائیل» و «عدم حمایت از گروه‌های محور مقاومت» متمرکز شده است.

جمهوری اسلامی به گفته‌های ترامپ و شروط او واکنش منفی نشان داده و گفته؛ «چگونه می‌توان صلح را از سوی ترامپ پذیرفت که چند ماه پیش حملاتی علیه تأسیسات ما انجام داده است.»

طرح صلح ترامپ با جمهوری اسلامی بعد از کنفرانس شرم‌الشیخ برای خامنه‌ای و سیستم تحت حاکمیت او ورود به فاز جدید منطقه‌ای و داخلی است. ادامه فشارهای منطقه‌ای و فشارهای درون‌جناحی و تشدید اعتراضات مردم علیه جنگ‌ستیزی و ضدیت با غرب و اسرائیل‌ستیزی است.

در بُعد داخلی، رژیم در حال رودررویی با شکاف‌های جناحی و پروژه بقا در مقابله با اعتراضات مردم و به‌ویژه کارگران و افشار تهیدست جامعه در شرایط بعد از جنگ دوازده‌روزه و برگشت مکانیسم ماشه و تحریم‌های بین‌المللی است. در گزارش جدید بانک جهانی،

شاخص‌های اقتصادی مهم ایران از جمله نرخ تورم و رشد اقتصادی، بدبینانه‌تر از گزارش‌های قبلی پیش‌بینی شده و چشم‌انداز اقتصادی ایران در سال‌های پیش‌رو با رکود، تورم بالا و تداوم فشارهای تحریمی توصیف شده است.

در بُعد منطقه‌ای، حکومت مشغول ادامه فازی است که جمهوری اسلامی را در مسیر انتخاب واکنش ایدئولوژیک و ضد غربی یا ضدآمریکایی، ضد اسرائیلی و ضدیت با تعدادی از کشورهای اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) قرار داده و تعیین تکلیف شرایط کنونی نه جنگ نه صلح، است.

جنگ دوازده‌روزه و حملات هوایی اسرائیل به تأسیسات و فرماندهان رده‌بالای سپاه پاسداران و حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای فردو و نظنز و... جمهوری اسلامی را از اتخاذ راهکارهای منطقه‌ای در مقابل پروسه صلح ترامپ و نتانیاهو برای غزه عاجز و ناتوان کرده است. در همین دوره ما شاهد انزوا و انفعال جمهوری اسلامی در معادلات منطقه‌ای بوده‌ایم.

سلطنت و اعدام

از صفحه ۸

سازمان‌های سرنگونی طلب نیز لغو مجازات اعدام را در پلاتفرم‌های خود گنجانده‌اند.

اینکه موضع‌گیری نیروهای سیاسی در قبال مجازات اعدام تا چه میزان می‌تواند روی انتخابشان به‌عنوان آلت‌رناتیو جمهوری اسلامی تأثیر بگذارد، بدون شک این یک فاکتور مؤثر است. نیرویی که از اعدام دفاع می‌کند، قاعدتاً و عملاً نیرویی است که با آزادی‌های بی‌قیدوشرط سیاسی، با آزادی فعالیت احزاب سیاسی، با حق اعتصاب و تشکل و با خواست‌های رفاهی مردم نیز مخالف است و چنین نیرویی، در جامعه‌ای با جنبش‌های متعدد و متنوع مردمی و آزادی‌خواهانه، با موانع زیادی مواجه است. کاری که در شرایط کنونی باید کرد تقویت گفتمان علیه اعدام، تقویت جنبش علیه اعدام و تلاش برای پایان دادن عملی به اعدام است. به موازات این فعالیت‌ها باید با تمام قوا هر جریانی را که مدعی قدرت در ایران است و مثل جریان سلطنت طلب از اعدام دفاع می‌کند افشا و طرد و منزوی کرد. این بهترین تضمین یک ایران بدون دار و تیرباران و قتل حکومتی نیز هست.

نه به اعدام

زن، زندگی، آزادی

مردم با مشکلات عدیده و علاج‌ناپذیری درگیر هستند. فقر و بیکاری، افزایش روزانه فاصله خط استاندارد شده زندگی با حقوق و درآمدها که در شهرهای بزرگ حدود شصت میلیون تومان و در خوش‌بینانه‌ترین بیلان‌های مالی و درآمدی برای یک خانواده سه‌نفره ما با رقم زیر سی میلیون تومان روبرو می‌شویم.

کمبود مسکن، کمبود و یا پایین بودن دسترسی به موقعیت‌های شغلی، محرومیت بیش از یک میلیون کودک و دانش‌آموز از ادامه تحصیل و محرومیت از رفتن به کلاس‌های درس و کمبود معلم و کمبود مدارس با استانداردهای ایمنی.

در شرایط کنونی مردم خواهان زندگی غنی شده هستند. خواهان پایان جنگ‌افروزی و غرب‌ستیزی و قطع کردن کامل و بی‌اما و اگر حمایت‌های مالی و لجستیکی از نیروهای محور مقاومت هستند. مردم فریاد می‌زنند زندگی حق مسلم ما است. به این اعتبار مبارزه برای معیشت و رفاه در محور خواست و مبارزه افشار مختلف جامعه قرار گرفته است.

مردم با اعدام و سرکوب به شدت مخالف هستند. اعتراضات و اعتصاب غذا در زندان‌ها توسط هزاران زندانی نشانه‌های اجتماعی نارضایتی مردم از سرکوب و اعدام است. جمهوری اسلامی برای حفظ بقا و خاموش کردن صدای اعتراض مردم و جامعه به تعداد اعدام‌ها افزوده است. افزایش اعدام‌ها به درست مورد تنفر مردم در سطح سراسری و زندان‌ها و افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی مخالف اعدام قرار گرفته است.

اکثریت مردم نارضاضی و معترض در ایران هیچ نسخه اصلاح شده از جمهوری اسلامی از نوع حسن روحانی یا ناطق نوری و اصلاح طلب "ملایم و عقل‌گرا" را قبول ندارند. مردم در طی سالیان طولانی از خیزش مردمی ۸۸ جنبش سبز و یا جنبش اصلاح‌طلبی "امید" تا خیزش مردمی علیه گرانی و برای معیشت اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و انقلاب مدرن زن زندگی آزادی ۱۴۰۱ را تجربه و از این خیزش‌ها درس‌های مهم و رهایی بخش آموخته‌اند. مسئله کنونی مردم پایان جمهوری اسلامی است.

سران این جریان، بیشتر از آنها فاصله می‌گیرند و به چپ جامعه متمایل می‌شوند.

انترناسیونال: اساساً موضع‌گیری نیروهای سیاسی در قبال مجازات اعدام تا چه میزان می‌تواند روی انتخابشان به‌عنوان آلت‌رناتیو جمهوری اسلامی تأثیر بگذارد؟ آیا می‌توان از همین حالا مدعی شد که در آینده ایران اعدام به‌طور کلی جایی نخواهد داشت و یا این موضوع همچنان باز است؟

اصغر کریمی: اجازه بدهید ابتدا به قسمت دوم این سؤال جواب بدهم. به نظر من به‌طور قطع می‌توان گفت که در آینده ایران اعدام جایی نخواهد داشت. نه اینکه همه جریان‌های سیاسی مخالف اعدام‌اند، بلکه فضای جامعه اجازه اعدام به کسی نخواهد داد. مخالفت با اعدام و جنبش علیه اعدام در ایران منحصر به فعالین و تشکل‌های مردمی نیست، دامنه این جنبش بسیار وسیع‌تر از طیف فعالین است و با برآمد انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی ابعاد این جنبش، به موازات جنبش‌های حق طلبانه دیگر به‌طور چشمگیری گسترش خواهد یافت. اکثر احزاب و

جمهوری اسلامی فرصت‌ها و چالش‌ها

از صفحه ۹

قابل توجهی از فرماندهان رده‌بالای آنها توسط اسرائیل و آمریکا، منفعل کردن حشدالشعبی در عراق که با هزینه‌های میلیون‌دلاری خامنه‌ای و سپاه قدس تأسیس شده، منجر و پایانی است بر حضور قدرتمند نیروهای محور مقاومت جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی!

افزایش شکاف‌های درونی جمهوری اسلامی!

در پرتو انزوای منطقه‌ای بی‌دلیل نیست که ناطق نوری، علی لاریجانی، حسن روحانی و علی مطهری و تعداد بیشتری از جبهه اصلاح‌طلبان با زبان و انگیزه‌های متفاوت، اما با یک مضمون مشترک، به بازنگری در شعارهای ضد غرب و سیاست خارجی‌ستیزی رسیده‌اند.

بر شمردن چالش‌های درون حاکمیت، پشیمانی‌های تاریخی را بیان می‌کنند. ناطق نوری: تصرف سفارت آمریکا اشتباه بزرگی بود. علی لاریجانی در مصاحبه با «هم میهن سال ۱۴۰۲» چرا باید تصور کنیم رابطه با آمریکا ذاتاً خط قرمز است؟ سیاست خارجی باید ابزار منافع ملی باشد، نه ابزار تسویه ایدئولوژیک. حسن روحانی: دفاع از برجام و دیپلماسی به‌جای مقاومت صرف. روحانی طرفدار مذاکره و بارها گفته بود که ما در برجام جلوی جنگ را گرفتیم؛ مقاومت بدون مذاکره یعنی بن‌بست و علی مطهری در توییتی در سال ۱۴۰۳ نوشته بود: «اگر اشغال سفارت آمریکا اشتباه نبود، چرا هنوز باید هزینه‌اش را بپردازیم؟ دشمنی دائم سیاست نیست، لجاجت است.» مواضع بخش‌های زیادی از جناح‌های درونی جمهوری اسلامی اگر چه نقد به سیاست‌های دیپلماتیک و غرب‌ستیزی خامنه‌ای و دوایر بیت رهبری و سپاه پاسداران است؛ اما به تدریج زمینه‌ساز ایجاد الگوهای "جمهوری اسلامی عقل‌گرا" است و پروسه تلاش برای عوض کردن چهره‌های بالای حاکمیت از جمله خامنه‌ای است.

مردم و جمهوری اسلامی

ریشه بحران‌های منطقه‌ای و داخلی جمهوری اسلامی در داخل و در ادامه اعتراضات پیگیرانه علیه فقر، گرانی و فساد و سرکوب و اعدام است.

اهداف شرم‌الشیخ، پشت پرده صلح در غزه

مهران محبی

"اسرائیل بزرگ" است. از طرف دیگر هم واضح است که رهاکردن مردم غزه به دست تروریست‌های حماس با امید به اینکه مردم غزه خود باید دست حماس را از سرنوشتشان قطع کنند، حداقل در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت راه‌حلی عملی نیست. در شرایط حاضر تنها راه‌حلی که می‌تواند حماس را به حاشیه براند و زمینه حذفش از عرصه سیاسی و نظامی در غزه و کل فلسطین را مهیا کند، حضور و فعال‌شدن نیروهای حافظ صلح سازمان ملل است. ارتش اسرائیل باید فوراً از سرزمین‌های اشغال شده بیرون برود و سازمان ملل موظف است که امنیت مردم غزه در برابر حماس را بر عهده بگیرد.

به‌هرحال فعلاً یک آتش‌بس شکننده میان دولت اسرائیل و حماس برقرار شده است. اما هم مفاد طرح صلح ترامپ و هم آنچه که در جریان نشست شرم‌الشیخ اتفاق افتاد حکایت از دنبال کردن اهدافی مهم‌تر از موضوع پایان کشتار مردم غزه برای ترامپ و دولت‌های غربی و عربی و منطقه‌ای دارد. ادامه جنگ و کشتار در غزه زیر تشدید فشارهای اعتراضات بین‌المللی و موضع‌گیری‌های اخیر دولت‌های غربی و عربی برای ترامپ به‌عنوان اصلی‌ترین متحد نتانیاهو با پرداخت هزینه‌های سیاسی مواجه شده بود و ترامپ نمی‌توانست به خواست متحدان غربی و عربی خود پاسخ ندهد و فقط بر حمایت از دولت اسرائیل متمرکز شود. به همین خاطر مجبور شد از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کند. ولی این عقب‌نشینی و تن‌دادن ظاهری به خواست متحدان خود مبنی بر پایان جنگ در غزه را به ابزاری برای به نقطه تلافی رساندن طرف‌های دارای اختلاف در میان هم‌پیمانان خود تبدیل کرد.

ترامپ برای نشست شرم‌الشیخ از جمهوری اسلامی حامی حماس و پایگاه اصلی تروریسم اسلامی دعوت به حضور کرد و این اقدام او موردتأیید و استقبال سران دولت‌های شرکت‌کننده در نشست قرار گرفت که نشان می‌دهد در اصل اهداف دیگری دنبال می‌شوند. همانطور که گفته شد، نزدیک کردن فاصله حامیان دو طرف کشتار در غزه به یکدیگر که از مدت‌ها پیش در بیمان ابراهیم دنبال می‌شود، از اهداف طرح ۲۰ ماده‌ای و نشست شرم‌الشیخ است و هدف دیگر، نگرانی از اوضاع درونی ایران و موقعیت جمهوری اسلامی است. درست است که جمهوری اسلامی موقعیت قابل‌اعتنایی در سطح بین‌المللی ندارد و چندان در معادلات متعارف و معمول فعلی جهانی به‌حساب آورده نمی‌شود، اما به‌کلی نادیده‌گرفتنش به تضعیف‌شدن آن در برابر جامعه در داخل منجر می‌شود که خطر انقلاب و سرنگون‌شدن جمهوری اسلامی به دست مردم را به‌طورقطع به دنبال خواهد داشت. این همان خطری است که ترامپ در رأس اردوگاه غرب و متحدان منطقه‌ای‌اش را به تکاپوی کشاندن رژیم اسلامی به‌سوی خود کرده است.

ترامپ و نتانیاهو طی چند ماه گذشته بارها اعلام کرده‌اند که اگر جمهوری اسلامی بر تداوم سیاست‌ها و پیگیری پروژه‌های مخاطره‌آمیز تاکتونی‌اش برای اسرائیل و منطقه و غرب ادامه دهد، با حملات نظامی قدرتمندتر از جنگ دوازده‌روزه مورد حمله‌اش قرار خواهند داد که ممکن است به فروپاشی‌اش بینجامد و این خود گواه آن است که جمهوری اسلامی برای ترامپ و متحدانش به‌عنوان یک حکومت که قابلیت مورد اهمیت و توجه قرارگرفتن داشته باشد را از دست داده است، اما واقعیت این است که به حکومت اسلامی همچنان برای سرکوب مردم در داخل تا زمانی که آلترناتیو موردنظر خود را برای جایگزینی بیابند، نیاز دارند. تردیدی نیست که انقلاب مردم به‌جان‌آمده در داخل کشور و سرنگونی حکومت اسلامی به این وسیله، تمامی این محاسبات و معادلات را به هم خواهد زد.*

روز دوشنبه بیست و یکم مهر سرانجام با آزادی گروگان‌های اسرائیلی در دست حماس و آزادی ۲۵۰ زندانی فلسطینی از زندان‌های

اسرائیل و به دنبال آن با امضای طرح صلح ترامپ برای پایان دادن به جنگ در غزه توسط ترامپ و رهبران ترکیه، قطر و مصر به مرحله اجرا گذاشته شد.

گذشته از اینکه صلح میان دولت اسرائیل و حماس باتوجه‌به شروطی که در خود طرح صلح از جمله خلع سلاح حماس وجود دارد و می‌تواند به دولت اسرائیل بهانه‌ای برای شعله‌ور کردن مجدد آتش جنگ را بدهد چندان امیدوارکننده نیست، اما تا همین حد هم برای مردم امری غزه حیاتی و ضروری است. آن مردم جنگ‌زده و زجر دیده باید از کابوس مرگ و نیستی هر روزه خلاص شوند و به‌فوریت و بدون هیچ قید و شرطی موردحمایت‌های غذایی و دارویی و غیره سازمان ملل قرار گیرند تا در مراحل بعدی به چگونگی اداره زندگی خود با تشکیل یک دولت سکولار و خلاصی از شر تروریست‌های اسلامی در یک کشور مستقل بیندیشند. پایان جنگ و نسل‌کشی. در غزه فوری‌ترین حق مردم آن است و دنیای متمدن و انسان‌دوست حامی راستین این حق است، و آنچه که امروز با هر درجه از بی‌اعتمادی نسبت به پایدار بودن آن تحت نام صلح در غزه اتفاق افتاده، حاصل همان حمایت‌ها است. به این اعتبار نقض آتش‌بس توسط هر یک از طرفین و ازسرگیری کشتار و گرسنگی دادن مردم غزه بهای سنگینی خواهد داشت. میلیون‌ها انسانی که با اعتراضات خود در بخش‌های مختلفی از جهان پایان جنگ در غزه را به ترامپ و نتانیاهو و حامیان‌شان تحمیل کردند، حالا جسارت و اعتمادبه‌نفس بیشتری کسب کرده‌اند تا هر ناقض آتش‌بسی و حامیان آن را زیر فشار بیشتر بگذارند.

طرح صلح ترامپ که "طرح جامع برای پایان جنگ در غزه" نام دارد، طرحی برای آتش‌بس میان دولت اسرائیل و تروریست‌های حماس بوده است. دولت‌های غربی و آمریکا که با ارسال کمک‌های جنگ‌افزایی برای دولت اسرائیل در دوران جنگ دو ساله در غزه خود شریک جنایات علیه مردم بی‌دفاع منطقه بوده‌اند حالا با به‌رسمیت‌شناسی حماس به‌عنوان طرف توافق صلح، این جریان تروریستی را عمداً نماینده مردم فلسطین و غزه به‌حساب می‌آورند تا در برابر افکار عمومی جنایات خود را مشروع جلوه دهند.

حماس نه نماینده مردم فلسطین و غزه، بلکه دشمن و قاتل آن مردم است و این واقعیت را همه مردم متمدن و متنفذ از جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع در سراسر جهان می‌دانند. دنیای صلح‌طلب خواهان پایان کشتار در غزه توسط دولت اسرائیل است و نه پایان جنگ با حماس. جنگ با حماس را باید به مردم و نیروهای آزادی‌خواه فلسطین واگذار کرد. معلوم است که برای برگرداندن آرامش و پایان دادن به آدم‌کشی در فلسطین باید تروریست‌های حماس و جهاد اسلامی و غیره خلع سلاح شوند و دستشان از جنایت قطع شود. این جانوران درنده هرآن که دستشان باز باشد و امکانش برایشان فراهم شود، همانطور که در همین روزهای بعد از آتش‌بس ده‌ها نفر در غزه را کشتند و ۷ نفر دیگر را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در ملاءعام به شیوه اعدام صحرائی تیرباران کردند، دست به قتل و جنایت می‌زنند و مشروط کردن پایان نسل‌کشی توسط دولت اسرائیل به پایبندی به آتش‌بس توسط همین تروریست‌ها خاک پاشیدن در چشم بشریت است.

راه‌حل خلع سلاح حماس، ادامه حملات نظامی و بمباران مناطق مسکونی غزه نیست. ادامه بمباران‌ها در غزه به بهانه خلع سلاح یا نابودی حماس فقط یک بهانه برای توجیه پاک‌سازی قومی در راستای طرح

همدستی شرم آور در پس به قتل رساندن آتش زنده قرآن



عطیه نیک نفس

کشته شدن وحشیانه سلوان مومیکا، منتقد اسلام و آتش زنده قرآن، در خاک سوئد، و انتشار خبر حضور یکی از عاملان قتل او در ایران، بار دیگر پرده از همدستی آشکار میان رژیم جمهوری اسلامی و دولت سوئد برداشت. این تنها یک نمونه از رابطه ناپیدای دولتی است که همزمان ادعای آزادی دارد و بستر را برای تبلیغ حجاب، این سمبل بی حقوقی زنان و پرچم تروریسم اسلامی، توسط نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در خاک خودش فراهم می کند.

در کنار آن، صدها جنایت دیگر در سایه این مماشات و همدستی، در سکوت خبری و بی توجهی افکار عمومی جهان اتفاق می افتد.

آزادی بیان بی قید و شرط، امروز دیگر یک انتخاب لوکس یا شعار فانتزی نیست؛ بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ جان، کرامت و حقوق پایه‌ای انسان‌هاست. وقتی افراد تنها به دلیل بیان اندیشه، نقد دین یا مخالفت با قوانین سرکوب گر به قتل می‌رسند، باید بدون تعارف، تمام قد در دفاع از حق گفتن ایستاد.

این مبارزه، نابرابر است؛ اما انسانی.

ما در اکس مسلم اسکندیناوی این نبرد را با تمام قوا پیش می‌بریم علیه تفکر سرکوب گر، علیه تبعیض، علیه معامله بر سر جان انسان‌ها.

و باور داریم که این راه، اگرچه دشوار است، اما ضروری‌تر از همیشه است.*

جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز، در سرکوب آزادی بیان، تهدید و حذف فیزیکی منتقدان دین و نظام، همیشه در رتبه اول بوده است. واکنش این حکومت به هر نوع نقد، به‌ویژه نقد اسلام و ایدئولوژی رسمی اش، همیشه با سبعیت، ارباب، تهدید و در بسیاری از موارد، با قتل همراه بوده - بی هیچ مرز اخلاقی یا قانونی.

اما فاجعه، تنها در خشونت این رژیم خلاصه نمی‌شود. همدستی دولت‌های غربی با این خشونت، چهره‌ای دیگر از همان جنایت است - چهره‌ای که پشت نقاب دموکراسی، حقوق بشر و آزادی پنهان شده است.

به‌ویژه دولت سوئد، با ظاهری انسان‌دوستانه و صدای رسای دفاع از حقوق بشر، هر روز در پرونده همدستی با تروریسم اسلامی، سنگین‌تر و آلوده‌تر می‌شود. لکه‌هایی از شرم و ننگ که هرگز از چهره این دولت و دیگر دولت‌های مشابه پاک نخواهد شد.

مردم فراموش نمی‌کنند که چگونه پس از دو سال برگزاری دادگاه و بازجویی از حمید نوری، یکی از عاملان کشتار تاپستان ۶۷، او را در سکوت و بی اطلاع‌رسانی، آزاد کردند. این در حالی بود که دولت سوئد می‌توانست در ازای این عقب‌نشینی رسواکننده، دست کم احمدرضا جلالی، پزشک زندانی در ایران را از چنگال رژیم اسلامی بازپس بگیرد - اما نکرد.



همدستی شرم آور
در پس به قتل رساندن
آتش زنده قرآن

حکومت
اسلامی
نابود
باید
گردد!



معرفی کتاب



"زن آزاده منم"؛ عنوان مجموعه یادداشت‌های عطیه نیک‌نفس در نشریه ژورنال است. عطیه از نسل زنان جوانی است که آپارتاید جنسیتی و ستم بر زنان را با گوشت و پوست خود احساس کرده است. از نسل همان زنان و دخترانی است که انقلاب زن، زندگی، آزادی را آفرینند و در صف اول مبارزه برای پیروزی آن قرار دارند.

تجربه زیستن تحت حاکمیت سیاه اسلامی به‌عنوان یک زن این توانایی را به وی بخشیده که به ساده‌ترین و موجزترین شکل آن را در نوشته‌های خود منعکس کند. مانند اکثر زنان در ایران او نیز به درست ریشه این ستم مضاعف علیه زنان را در حاکمیت اسلام سیاسی و قوانین ضدزن اسلامی یافته است. به همین دلیل اغلب نوشته‌های او روی موضوع مذهب و وضعیت زنان در ایران متمرکز است.

از شما دعوت می‌کنیم این مجموعه را بخوانید و آن را در اختیار سایر علاقه‌مندان قرار دهید. لینک پیدی‌اف ویژه موبایل کتاب را پایین‌تر مشاهده می‌کنید.

[زن آزاده منم - مجموعه یادداشت‌های عطیه نیک‌نفس -](#)

[منتشر شده در نشریه ژورنال - ویژه تلفن همراه](#)

صدها میلیارد دلار را حکومت صرف تأسیسات اتمی و موشکی و نیروهای نیابتی کرد تا هم در منطقه جنایت کند هم در داخل علیه مردم قدرت‌نمایی کند. از نظر اقتصادی نیز این هزینه‌های نجومی حاصل زحمات! آقازاده‌ها و آیت‌الله‌ها و انگل‌های حاکم نبود. از سفره مردم دزدیدند و رمق زندگی مردم را کشیدند تا این مخارج و همین‌طور حقوق‌های نجومی و دزدی‌ها و هزینه مؤسسات مذهبی و سرکوب را تأمین کنند. اکنون هزینه بازسازی این تأسیسات نابود و تخریب‌شده را بار دیگر قرار است از سفره مردم تأمین کنند. باید جلواش ایستاد. اعلام کنیم که تمام این بودجه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. کل بودجه باید صرف رفاه مردم شود. مردم نه موشک می‌خواهند نه نیروی نیابتی و نه تأسیسات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و بیانیه‌های پیمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

غنی‌سازی زندگی، حق مسلم ماست

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست

اطلاعه‌های هفته اخیر

عمد دولتی" تأکید کردند. در این بیانیه همچنین به وضع اسفناک زندانیان زن که از قرچک به اوین منتقل شده‌اند و اکنون نیز در وضعیت بسیار سختی محروم از حداقل امکانات و وسایل گرمایشی به سر می‌برند و وضعیت وخیم زندان‌ها، اعتراض کردند.

این بیانیه به‌علاوه در رابطه با تحصن زندانیان واحد ۲ قزل‌حصار در اعتراض به اعدام‌های بی‌شمار در این زندان چنین آمده است: "در موج گسترده اعدام‌های اخیر، به‌ویژه در زندان قزل‌حصار، روز دوشنبه بیست‌ویکم مهرماه، در پی انتقال دستکم یازده نفر از زندانیان واحد ۲ قزل‌حصار به سلول‌های انفرادی جهت اجرای حکم اعدام، زندانیان این واحد - که بیش از ۱۵۰۰ نفر از آنان محکوم به اعدام هستند - دست به تحصن زدند، غذای زندان را بازگرداندند و خواستار بازگشت هم‌بندیان خود شدند". در ادامه اعضای این کارزار از سایر زندانیان خواسته است که مانند حرکت زندانیان قزل‌حصار با اعدام هم‌بندان خود مخالفت نمایند و خواستار گام‌های جدی‌تر برای توقف ماشین اعدام از سوی مخالفین اعدام در بیرون از زندان در همراهی با خانواده‌های محکومان به اعدام شده‌اند.

گفتنی است که طبق گزارشات منتشر شده در پی ادامه اعتصاب، روح‌الله حسین‌زاده، معاون دادستان کرج، به همراه چند تن از مسئولان زندان با حضور در زندان و دادن قول اینکه چند نفر را از سلول انفرادی به بند برمی‌گردانیم و فراخواندن دو نفر از هر سالن یعنی جمعاً ۸ نفر از زندانیان، سعی در وادار کردن زندانیان به پایان دادن اعتصاب کرد. اما زندانیان اعلام کردند که روز سه‌شنبه نیز به اعتراض خود ادامه خواهند داد. اسامی زندانیانی که جهت اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده‌اند عبارت هستند از: ۱- احمد اسحاق‌زهی (مندیزی)، اهل و ساکن زاهدان، ۲- احمد کوشکی، ۳- علی احمد زاهدی، ۴- محمد نعمتی، ۵- مهدی یوسفی، ۶- احمد صادق‌نیا، ۷- زرعلی، ۸- میثم جالینوس، ۹ هادی نقدی، ۱۰- مهدی عین‌العین الهی.

هم‌زمان با این حرکت اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی و با خواست آزادی آنان تجمع کرده و با فریاد نه به اعدام حمایت خود را از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام داشتند. از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام وسیعاً حمایت کنیم.

خبر دیگر اینکه طبق گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز ۲۱ مهر مأموران امنیتی حکومت با هجوم به منزل کوکب بدایغی از معلمان معترض در ایذه ضمن برخورد خشونت‌آمیز و تفتیش منزل، وسایل الکترونیکی وی را ضبط کردند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت این حمله وحشیانه هشدار داده است که تداوم سرکوب معلمان و فعالان صنفی می‌تواند زمینه‌ساز تجمعات گسترده در کشور شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مهر ۱۴۰۴ - ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵

ادامه سه‌شنبه‌های نه به اعدام و یک خبر دیگر

امروز سه‌شنبه بیست و دوم مهرماه کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» نودمین هفته خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. اعضای این کارزار در اوج موج جدید اعدام‌ها در بیانیه هفتگی خود با تأکید بر اینکه اعدام ابزاری برای ارباب جامعه و سرکوب اعتراضات توسط جمهوری اسلامی است بر ضرورت ایستادگی در برابر اعدام "قتل

در این روز همچنین معلمان نهضت سوادآموزی در اعتراض به عدم استخدام در آموزش و پرورش و خلف وعده‌ها مقابل وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. این معلمان سال‌هاست با مزد بسیار پایین و بدون داشتن امنیتی شغلی کار می‌کنند. در این تجمع معلمان نهضت سوادآموزی شعار می‌دادند: "تا بخش‌نامه نگیریم از اینجا نمی‌رویم". آخرین خبر اینکه مغازه‌داران بازار تاناکورای سنندج در اعتراض به ضبط کالاهایشان، مقابل استانداری کردستان تجمع کردند. طبق گزارشات نیروهای انتظامی به دستور رئیس کلانتری منطقه ۲۵ سنندج به تاناکورای

این شهریورش برده و محموله پوشاک تعدادی از مغازه‌داران را ضبط کرده‌اند. طبق گزارشات کالاهای توقیف شده صرفاً شامل پوشاک و اجناس دست دوم بوده و هیچ‌گونه کالای قاچاق یا غیرمجاز در میان آن‌ها وجود نداشته است. بازاریان معترض خواستار پاسخگویی مسئولان و بازگرداندن اجناس ضبط شده خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مهر ۱۴۰۴ - ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات گسترده

بر سر معیشت و علیه فقر و تبعیض

اعتراضات بر سر معیشت و علیه فقر و تبعیض و نابرابری و بساط چپاول و غارت و سرکوبگری حکومت هر روز گسترده‌تر می‌شود. گزارشات از گسترش اعتراضات در نفت و در میان معلمان، بازنشستگان، نانوایان، پرستاران، رانندگان کامیون و بخش‌های مختلف مردمی در بیرون زندان و در درون زندان‌ها خبر می‌دهد. گوشه‌هایی از این اعتراضات را در اطلاعاتی‌های حزب کمونیست کارگری دنبال می‌کند. صحنه‌ای پر شور از تجمع باشکوه روز گذشته بیست و دوم مهرماه بازنشستگان در کرمانشاه که در گزارشات تکمیلی بازتاب یافته است، نمایانگر چنین فضایی از اعتراض است. در این حرکت اعتراضی تجمع‌کنندگان که از بخش‌های مختلف بازنشستگان بودند در ابتکاری جالب خطاب به رانندگان فریاد می‌زدند: بوق بزن! بوق بزن!

و رانندگانی که در حال عبور از محل تجمع آنان بودند با بوق زدن ممتد خود صحنه پر شوری از اعتراض را آفریدند که همه را به وجد آورده بود. این بوق‌زدن‌ها پاسخی بود به شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" که این روزها در تجمعات اعتراضی بازنشستگان در شهرهای مختلف فریاد زده می‌شود.

اخبار اعتراضی دیگر عبارت‌اند از:

- صبح امروز ۲۳ مهر جمعی از متقاضیان طرح ملی مسکن فازهای ۱ تا ۳ استادان اهواز، در اعتراض به تأخیر در واگذاری واحدها و اختلاس‌گری‌های حاکم با فریاد "وعده وعید نمی‌خواهیم مسکن ملی می‌خواهیم" در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

- امروز چهارشنبه بیست و سوم مهرماه کارگران شرکت خدماتی شب‌نم در جابهار در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه بیمه ه و ۲ ماه مزد خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- روز سه‌شنبه ۲۲ مهر زندانیان واحد ۴ زندان قزل‌حصار در بیانیه‌ای ضمن حمایت از اعتصاب غذای زندانیان واحدهای ۲ و ۳ این زندان، بار دیگر نسبت به تداوم اعدام‌های گسترده در قزل‌حصار هشدار دادند و از مردم ایران خواستند صدای اعتراض آنان باشند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۴۰۴ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت

اعتراضات در نفت از سوی کارگران رسمی شاغل در این صنعت کلیدی کشور گسترده‌تر می‌شود. بر اساس گزارشات منتشر شده روز گذشته بیست و سوم مهرماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده خود از ساعت ۹ تا ۷ صبح دست به تحصن و راهپیمایی زدند. روز قبل از آن در بیست و دوم مهرماه این کارگران در شرکت نفت فلات قاره در سیری در سکوی ایلام و نیز در سکوی نصر تجمع داشتند.

کارگران رسمی با شعارهای اعتراضی خود مطالباتشان را فریاد می‌زنند.

از سوی دیگر کارگران رسمی بهره‌برداری، تعمیرات و ایمنی شاغل در ۳۸ سکوی گازی پارس جنوبی در اعتراض به سقف و کف حقوق و مشکلات معیشتی و کاری خود طی بیانیه‌ای در نوزدهم مهرماه از توقف بخشی از کار خود از جمله عدم صدور پرمیت‌های روزانه، توقف گزارش‌های PRCC، عدم حضور در جلسات صبحگاهی، توقف ارسال گزارش تولید به دیسپچینگ و نظارت بر تولید اعتراضی اخطاری را اعلام کرده‌اند. این کارگران اولتیماتومی دوهفته‌ای داده‌اند که اگر حذف کامل سقف حقوق در فیش‌ها مشاهده نشود در گام هیچ‌یک از کارگران رسمی سکوها سوار بالگرد (چاپر) نخواهند شد.

در این بیانیه این کارگران از تمامی کارکنان صنعت نفت خواسته‌اند که برای احقاق حقوق حقه خود، به جمع آنان بپیوندید. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبرها از اعتراض این کارگران و فراخوان آنان اعلام حمایت و پشتیبانی کرده است. طبق این گزارشات بسیاری از سکوهای گازی در حال حاضر با حداقل نفرات در حال فعالیت‌اند. طبق طراحی و استاندارد این سکوها باید از راه دور کنترل شوند، اما همکاران برای حفظ جریان گاز خانگی و صنعتی کشور، در سکوهای نایمن و بدون امکانات NNMM مانده‌اند و مشکلات کاری و معیشتی فشار سنگینی بر آنان وارد کرده است.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های شاغل در نفت را به حمایت گسترده از اعتراضات کارگران رسمی نفت فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۴۰۴ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع بزرگ اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان

ویک خبر دیگر از نفت

سه‌شنبه‌های اعتراضی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر

آغاز می‌شود

امروز شنبه ۲۶ مهر کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت قراردادی و ادامه نقش پیمانکاران مفت‌خور و با مطالبه حذف شرکت‌های پیمانکاری و قراردادهای مستقیم کاری دست به تجمع زدند. یک اعتراض این کارگران در این حرکت اعتراضی به خلف وعده‌های داده شده است.

خبر دیگر اینکه کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر از آغاز مجدد اعتراضات «سه‌شنبه‌های مطالبه‌گری» خود خبر داده‌اند و اولین تجمع آنان در ششم آبان‌ماه برگزار خواهد شد. این کارگران با این خبر بر پیگیری مطالبات پنج‌گانه‌ای که در سال‌های گذشته اعلام کرده بودند تأکید کرده‌اند که رئوس آن عبارت‌اند از: افزایش حقوقها و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل با رویکرد نظام همسان‌ساز دستمزد، اجرای طرح اقماری دو هفته کار دو هفته استراحت برای نیروهای اداری و پشتیبانی، ساماندهی وضعیت رانندگان غیر مالک خودروهای استیجاری، پرداخت هزینه قطع امکانات رفاهی (حق کمپ) و تأمین ایاب‌وذهاب هوایی برای کارگران پیمانکاری.

از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مهر ۱۴۰۴ - ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵

ششمین روز تجمع نانوایان در مشهد، ششمین روز اعتصاب زندانیان علیه اعدام

- امروز بیست و ششم مهرماه نانوایان مشهد برای ششمین روز در اعتراض به پرداخت نشدن یارانه‌ها و دزدی آشکار شرکت نانینو به خیابان آمدند و اعتراض کردند.

- اعتصاب بی‌سابقه بیش از ۱۵۰۰ زندانی واحد ۲ زنان قزل حصار علیه اعدام امروز وارد ششمین روز خود شد. اعتصابی که بازتاب وسیعی در ایران و در سطح جهان داشته و جنبش علیه اعدام را گامی دیگر به جلو برده و به یک نقطه مهم تبدیل شده است. اعتصاب زندانیان قزل حصار با حمایت زندانیان سیاسی و سازمان‌های مختلف همراه شده و توجه به جنبش علیه اعدام را گسترش داده است.

حکومت اسلامی با تشدید سرکوبگری‌های خود و اعدام‌های گسترده می‌کوشد جامعه را عقب زند و اعتراض علیه اعدام‌ها امروز به جنبشی اجتماعی و قدرتمند تبدیل شده و مردم مصمم‌اند تا خاکریز اعدام را نیز به تصرف خود در آورند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام حمایت می‌کنند و همگان را به همبستگی با جنبش علیه اعدام فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مهر ۱۴۰۴ - ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵

تجمعات باشکوه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد، خانواده‌های زندانیان زیر اعدام و نانوایان تهران

زندانی قزل حصار حمایت می‌کنیم

امروز یکشنبه بیست و هفتم مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد همچون یکشنبه‌های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و علیه سرکوبگری‌های حکومت و بساط دزدی و چپاول حاکم در چندین شهر تجمع کردند. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در کرمانشاه، اهواز، تهران، رشت و شوش و بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز تجمع داشتند.

در کرمانشاه بازنشستگان مثل همیشه تجمع با شکوهی بر پا کردند و با فریادهای "زندانی قزل حصار حمایت می‌کنیم"، "نه به اعدام، نه به جنگ"، "اعدام هر یک نفر، نقض حقوق بشر" حماسه آفریدند. این بازنشستگان در این هفته نیز با شعارهای اعتراضی کوبنده خود و با سخنرانی‌های پرشورشان فریاد اعتراض کل جامعه علیه اعدام و سرکوب و بساط جنگ‌افروزی‌های حکومت و فقر و بی‌تامینی را نمایندگی کردند. در این تجمع یکی از بازنشستگان در پاسخ به سخنان اخیر پزشک‌های در جمع فرهنگیان هرمزگان که گفته بود: "اگر ما نبودیم شما چه کار می‌کردید؟" سخنان کوبنده‌ای داشت و گفت:

"پزشک‌های پیام خود را به مردم ایران داد. در واقع پیام ضعف و ناتوانی خود و دولت خودش را به مردم داد. دوستان جناب پزشک‌های خودش می‌دانند، دولت‌ش می‌داند که علت این نابسامانی، این شرایط فلاکت‌باری که در ایران پیش آمده خود اینها هستند. (کفزدن جمعیت). جوابی که ما به پزشک‌های داریم این است که آقای پزشک‌های اگر شما نبودید کف خیابان آرام بود و دیگر هیچ کارگری، پرستاری، معلمی، بازنشسته‌ای، حقوق پایمال شده خود را فریاد نمی‌زد. اگر شما نبودید زیرساخت‌ها از ناترازی و کمبود دچار اشکال نمی‌شد که الان شما شرمند این مردم شوید و دیگر هیچ سری داخل سطل زباله‌ها نبود برای تأمین معیشت. بلکه این سرها سر کلاس آموزش و درس بودند. اگر شما نبودید همین صندوق تأمین اجتماعی را به مهندسین، کارشناسان که از جنس خود ما بودند و آبرو و شرف ما بودند اداره آن را به عهده می‌گرفتند که دیگر نه پیرمردی و یا مطالبه‌گری کف خیابان باشد که فریاد بزند به تنگ آمده‌ایم. صبرمان لبریز

شد. خرجمان با دخلمان دیگر نمی‌سازد. شرم به شما که ما را شرمند کردید و دستتان را نه از مچ بلکه از آرنج قطع خواهیم کرد برای فروش بانک رفاه. (کفزدن جمعیت). برای شرکت‌های شستا و مجموعه... که حاصل دسترنج ما بود و دهانتان را می‌کوبیم مادامی که نان نداریم که حداقل زندگی کوچکی برای فرزندان خود مهیا کنیم. تحصیل و شهریه فرزندانمان را نداریم. از پول ما، دارایی ما، صندوق بازنشستگی ما، خرج اربعین‌ها، مهمانان ناخوانده، و هواپیمای آسمان کرده‌اید. (کفزدن جمعیت) کاش می‌شد تمام کاخ‌ها، ویلاها و خانه‌های لوکس شما را بر سر تان خراب می‌کردیم که دیگر هیچ زن و مرد زحمت‌کشی. حسرت داشتن چهاردیواری محقری را نمی‌کشید. جناب پزشک‌های! اگر شما نبودید این همه اجحاف و نابرابری نبود. مواد مخدر نبود. معتاد، دزد، و خفت‌گیر نبود. دنیای سرمایه شما را به سمت سوسی هدایت کرده که مجبورید این سیاست‌های ضدانسانی را به مردم زحمت‌کش تحمیل کنید و روزی‌روز سفره زحمت‌کشان را کوچک و کوچک‌تر کنید. تا به حلقوم سرمایه‌داران و دولت سرمایه بریزید. اربابان سرمایه و مافیای قدرت، کارفرمایان و هر آنچه که بوی استبداد و استثمار می‌دهد باید به شما تبریک و تهنیت بگویند. ولی زحمت‌کشان داغ این حسرت را بر نمی‌تابند"

دیگر شعارهای اعتراض بازنشستگان کرمانشاه عبارت بودند از: "ایران پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد"، "بیت‌المال و خزانه جولانگاه دزدانه"، و "نه جنگ می‌خواهیم، نه گشتار رفاه می‌خواهیم ماندگار".

در اهواز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع و در بزهای اعتراضی خود بر اتحاد و همبستگی تأکید داشتند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، و "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و تجمع و راهپیمایی کردند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "سفره بی‌نان ما چه می‌خواهی از جان ما"، "روسی را رها کن فکری به حال ما کن"، "بانک رفاه مال ماست، حاصل دسترنج ماست"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، ننگ بر این بردگی"، و "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر این مدیران". در اصفهان جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد با فریاد "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد" دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در تهران نیز بازنشستگان مقابل سازمان تأمین اجتماعی، تجمع داشتند و با شعارهای "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "مسعود فرهیخته آزاد باید گردد"، "نان گران، دارو گران، در حسرت یک لقمه نان"، "تجمع، تشکل مستقل حق مسلم ماست" فریاد اعتراضشان را بلند کردند. بنا بر گزارشات زیر فشار اعتراضات بازنشستگان حق اولاد آنها بازگردانده شد و حقوق مهرماه آنان هم‌زمان پرداخت گردید. بازنشستگان همین پرداخت چندرغاز را نتیجه قدرت مبارزات خود می‌دانند. اما بازنشستگان می‌گویند اعتراض آنان فقط برای مطالبات خود نیست و در تجمعاتشان فریاد زدند: "شادی، رفاه، آزادی، حق مسلم ماست".

تجمع خانواده‌های زندانیان زیر اعدام در مقابل مجلس شورای اسلامی

در حالی که اعتصاب زندانیان قزل حصار علیه اعدام ادامه دارد و موجی از حمایت و پشتیبانی را در ایران و در جهان همراه داشته است، امروز یکشنبه ۲۷ مهر، خانواده‌های زندانیان زیر اعدام در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و با شعارهای «نه به اعدام» و «اعدام نکنید» خواستار توقف فوری احکام مرگ شدند. این تجمع با حمله و خشونت نیروهای انتظامی روبرو شد. حزب کمونیست کارگری همه تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و همه مردم را به حمایت همه‌جانبه از زندانیان قزل حصار فرا می‌خواند. این اعتراضات نقطه عطفی در جنبش علیه اعدام و برای تصرف خاکریز اعدام است. با تمام قوا همراه با زندانیان اعتصابی و

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مهر ۱۴۰۴ - ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

بازداشت حسین میربهراری فعال سرشناس دفاع از کودکان کار و خیابان کوکب بداعی و همسرش در ایده

درحالی که اعتراضات بر سر معیشت و علیه سرکوب و اعدام در سطح جامعه گسترده است، حکومت در هراس از سر بلند کردن قدرتمندتر اعتراضات مردمی به سرکوبگری‌هایش شدت داده و دست به دستگیری‌های بیشتری می‌زند. صبح روز گذشته مأمورین امنیتی با هجوم به منزل نادیا میربهراری، حسین میربهراری از فعالین پرتلاش و برجسته کودکان کار و خیابان را بازداشت و او را به نقطه نامعلومی منتقل کردند. طبق گزارشات مأمورین امنیتی علاوه بر بازداشت حسین میربهراری، گوشی نادیا را نیز ضبط کرده و با خود برده‌اند و به او اعلام کرده‌اند که روز شنبه ۲۶ مهر خود را به دادسرای مقدسی معرفی کند.

حسین میربهراری از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد و بازداشت وی خطر جانی برای او دارد. او پیش‌تر در خردادماه سال جاری بازداشت و پس از تحمل ۳۰ روز حبس انفرادی با قرار وثیقه آزاد شده بود.

همچنین حوالی سه بعدازظهر روز ۲۱ مهر ۱۴۰۴، ۹ مأمور لباس شخصی. با هجوم به منزل شخصی. کوکب بداعی، فعال صنفی معلمان و معلم مبارز شناخته‌شده در شهر ایده، او و همسرش را در برابر چشمان کودک خردسالشان به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و تلفن‌های همراه آنان را نیز توقیف کردند. طبق خبرها حال جسمی هر دو وخیم است و از دسترسی به خدمات درمانی مناسب محروم مانده‌اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن محکومیت این حمله وحشیانه هشدار داده است که تداوم سرکوب معلمان و فعالان صنفی می‌تواند زمینه‌ساز تجمعات گسترده در کشور شود. جنبش معلمان جنبشی قدرتمند است و جمهوری اسلامی با تشدید فشارهای امنیتی خود می‌کوشد از به میدان آمدن دوباره آنها برای بلند کردن فریاد حق طلبی خود جلوگیری کند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی حمله وحشیانه به منزل کوکب بداعی را شدید محکوم کرده و بر تضمین سلامت و آزادی فوری او و همسرش تأکید می‌کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ مهر ۱۴۰۴، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

از مشاور شاهزاده تا مجری منوتو؛ دفاع از مجازات اعدام به جای حمایت از زندانیان قزل حصار

درست در روز سه‌شنبه‌های نه به اعدام، درحالی که جمهوری اسلامی به صورت دسته‌دسته زندانیان را برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی برده بود، دقیقاً در روز اوج اعتصاب درخشان و بی‌سابقه زندانیان قزل حصار علیه اعدام؛ سلطنت‌طلبان بار دیگر با دفاع تمام‌قد از مجازات اعدام، تقابل خود را با مطالبات عمومی جامعه ایران به نمایش گذاشتند.

داستان از اینجا شروع شد که سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۴، سعید قاسمی‌نژاد، مشاور ارشد رضا پهلوی و از چهره‌های برجسته جنبش سلطنت‌طلبی در صفحه اکس خود نوشت: «نبود حکم اعدام در اسرائیل باعث شده که هر بار در ازای یک گروگان اسرائیلی زنده یا مرده تروریست‌های خطرناک فلسطینی با داستان آلوده به خون مبادله شوند. در صورت وجود حکم اعدام در اسرائیل انگیزه فلسطینیان برای گروگان‌گیری کمتر، خطر امنیتی ایجاد شده توسط چنین مبادلاتی برای اسرائیل کمتر، و دنیا جای بهتری می‌بود.»

طبعاً آن طور که انتظار می‌رفت، در جامعه‌ای که جنبش علیه اعدام یکی

خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام به اعتراض برخیزیم و ماشین کشتار و جنایت حکومت را از کار بیندازیم. فتح خاکریز اعدام گام مهمی در به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام ماست.

تجمع و راهپیمایی نانوایان تهران

امروز ۲۷ مهر نانوایان در تهران در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت یارانه و افزایش نجومی قیمت آرد آزاد و مافیای نانینو مقابل اتحادیه نانوایان تجمع کردند و سپس به سمت فرمانداری راهپیمایی کردند. نانوایان در شهرهای دیگر از جمله در مشهد نیز اعتراضات مشابهی بر پا کرده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مهر ۱۴۰۴ - ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات گسترده کارگران و بازنشستگان صنعت نفت تجمع بزرگ بازنشستگان نفت، تجمع کارگران رسمی نفت، و فراخوان کارگران ارکان ثالث

تجمع بازنشستگان نفت

بنا بر اخبار منتشر شده امروز بیست و هفتم مهرماه بازنشستگان نفت در اعتراض به مشکلات معیشتی و وخامت هر روزه آن و نیز علیه دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی، در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. در این تجمع جمعیت بزرگی از بازنشستگان شرکت داشتند و از جمله شعار می‌دادند: "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "صندوق پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "بازنشسته امروز عزت شاغلین است"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، و "یخچال بازنشسته خالی‌تر از هر زمان".

تجمع کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره در لاوان و خارک

روز گذشته بیست و ششم مهرماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره در سکوی رشادت در منطقه لاوان، و شرکت پایانه‌های نفتی منطقه خارک در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالبات خود دست به تجمع زدند. طبق گزارشات در این روز کارگران شرکت پایانه‌ای منطقه خارک طی بیانیه‌ای با تأکید بر تداوم اعتراضاتشان از برگزاری تجمعی دیگر همزمان با تجمع کارگران مناطق نفت‌خیز جنوب در محل چهارراه پمپ‌بنزین و حرکت به سمت بخش‌داری ویژه جزیره خبر دادند.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

فراخوان کارگران ارکان ثالث به تجمع در تهران

کارگران ارکان ثالث در اعتراض به خلف وعده‌ها و جهت پیگیری مطالبات خود برای روز دهم آبان‌ماه به تجمع در مقابل محل ریاست جمهوری اسلامی در تهران فراخوان به تجمع داده‌اند. حذف پیمانکاران در صدر خواست‌های این کارگران است و دیگر مطالبات فوری آنها عبارت‌اند از: افزایش حقوق‌ها، اجرای بدون تأخیر طرح ساماندهی کارکنان دولت به شیوه صحیح، و پایان تبعیض در استخدام‌ها.

گسترش اعتراضات بخش‌های مختلف نفت و شرکت نیروهای بیشتری در آنها زمینه سراسری شدن اعتراضات همزمان در این صنعت کلیدی اقتصادی را فراهم می‌کند. حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های شاغل در نفت را به پیوستن به این اعتراضات فرامی‌خواند. اعتصابات سراسری تقویت‌کننده مبارزات علیه فقر و بی‌تامینی و یک پاسخ ضروری به شرایط سیاسی امروز است.

خودداری کرده و در سالن‌های زندان دست به تحصن جمعی زدند. بر اساس گزارش منابع مطلع، بامداد دوشنبه مأموران زندان به دستور مستقیم مقام‌های قضایی، تعدادی از زندانیان را از بندهای مختلف به سلول‌های انفرادی منتقل کردند تا احکام اعدام آنان در روزهای آینده اجرا شود.

در پی گسترش این اعتراض، قبادی، رئیس زندان قزل‌حصار و رئیس واحد ۲، با حالتی تهدیدآمیز وارد بندها شده و خطاب به زندانیان اعلام کرده است:

«درب چراغ‌خانه را هم می‌بندیم تا از گرسنگی بمیرید!»

فضای زندان به شدت امنیتی شده و مأموران با افزایش کنترل و فشار، تلاش دارند اعتصاب را درهم بشکنند. با این حال، زندانیان با سردادن شعار «نه به اعدام» تأکید کرده‌اند تا توقف کامل اعدام‌ها به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. هم‌زمان با کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، زندانیان واحد ۳ نیز به این اعتصاب جمعی پیوسته‌اند.

در بیانیه‌ای کوتاه که از درون زندان منتشر شده، آمده است:

«اعدام‌های پیاپی و شبانه در زندان قزل‌حصار، جان انسان‌ها را بی‌صدا می‌گیرد و هیچ نهاد مستقلی پاسخگو نیست.»

هم‌زمان با این حرکت اعتراضی، خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام نیز در بیرون از زندان دست به تجمع اعتراضی زده‌اند. این اعتصاب از بزرگ‌ترین حرکت‌های اعتراضی درون زندان طی ماه‌های اخیر به شمار می‌آید و بار دیگر ضرورت حمایت افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری از زندانیان سیاسی را برجسته می‌کند.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران ضمن حمایت همه‌جانبه از اعتراضات زندانیان در ایران خواستار

۱. توقف فوری و کامل اعدام‌ها؛

۲. آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی؛

۳. بازگرداندن فوری زندانیان منتقل شده از سلول انفرادی به بندهای عمومی؛

۴. پاسخ‌گویی مسئولان قضایی و سازمان زندان‌ها در قبال سلامت و جان زندانیان.

هشدار کمیته آزادی زندانیان سیاسی:

اجرای پیاپی اعدام‌ها بدون اطلاع‌رسانی شفاف، تهدید مستقیم جان زندانیان است و خطر اعدام برای زندانیان منتقل شده به انفرادی همچنان جدی است.

ما از مردم ایران، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و تمامی آزادی‌خواهان جهان می‌خواهیم در برابر این جنایت‌ها سکوت نکنند. امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به فشار جهانی برای توقف موج اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی وجود دارد.

مسئولیت حفظ جان زندانیان مستقیماً بر عهده مقامات قضایی و سازمان زندان‌هاست و هرگونه آسیب جسمی یا جانی به زندانیان باید توسط رژیم پاسخ داده شود.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۲۲ مهر ۱۴۰۴ / ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵

از قدرتمندترین جنبش‌های مبارزاتی آن است، به ساعت نکشیده موج گسترده اعتراضی علیه قاسمی‌نژاد و طرف‌داران رضا پهلوی آغاز شد. همین مسئله سبب شد که دیگر قسم‌خوردگان دربار پهلوی خجالت را کنار بگذارند و در حمایت از سعید قاسمی‌نژاد، مجازات اعدام را تقدیس کنند و برای مخالفین خود در حکومت آینده ایران خط‌نوشان بکشند؛ این وقاحت نه فقط در شبکه‌های اجتماعی بلکه در تلویزیون منوتو هم از زبان آرزو علی‌زلفی، مجری شناخته‌شده این رسانه صراحتاً بیان شد.

نکته اول در این باره سکوت و عدم موضع‌گیری رضا پهلوی به چنین حمایت صریح مشاورش از مجازات ضدانسانی اعدام است؛ رویکردی که سابقه هم دارد و حتی وقتی همسرش (یاسمین پهلوی) علناً خواستار اعدام «ملا، چپی، مجاهد» شد، صدایی از «شاهزاده» در نیامد. به نظر می‌رسد درحالی که از بالا تا پایین این «دربار در تبعید» مدافع مجازات اعدام هستند و هنوز به قدرت نرسیده در رؤیاهای خود چوبه‌های دار را برپا می‌کنند، پادشاه ترجیح می‌دهد به جای موضع‌گیری صریح درباره مجازات اعدام، به روضه‌خوانی درباره «دموکراسی سلطنتی» آینده ایران ادامه دهد.

مورد دیگر که باید مورد توجه قرار داد اینکه دفاع از مجازات اعدام، آن هم هم‌زمان با یکی از باشکوه‌ترین اقدامات اعتراضی علیه اعدام در زندان قزل‌حصار، نمی‌تواند تصادفی باشد. وقتی مشاور ارشد رضا پهلوی، حامیان اصلی سیاسی و رسانه‌ای او و لشکر شعبان‌بی‌مخ‌های پهلوی، همگی هم‌صدا در شبکه‌های اجتماعی برای دفاع از اعدام به خط شده‌اند، نظرها به سازمان‌یافتگی این حرکت جلب می‌شود.

وگرنه فعالین سیاسی آن هم با چنین سوابقی به خوبی می‌دانند که در شرایط حساس سیاسی این چنینی، باید از هرگونه موضع‌گیری ابهام‌زا یا واکنش برانگیز که خصوصاً به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود پرهیز کنند؛ آنها اما عامدانه پرهیز نکردند و هم‌زمان با اینکه کرورکرور حکومت اعدامی جوانان را در زندان‌های کشور به قتل می‌رساند، ترجیح دادند از مجازات اعدام (حالا با اسم رمز اعدام در اسرائیل) دفاع کنند.

واقعیت اما این جاست که اساساً سلطنت‌طلبان، رضا پهلوی و هوادارانش بنا به مصالح جنبش سیاسی خود، نه فقط با مجازات اعدام مخالفتی ندارند؛ بلکه برای ایجاد و تثبیت حکومت مدنظر خود پس از سرنگونی، به بخش مهمی از ابزارها و دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی از جمله اعدام و زندان نیاز دارند. آنها می‌دانند که برای سرکوب جامعه پیشرو و مدنی چون ایران با آن خواسته‌های حداکثری مردم، برقراری یک حکومت سلطنتی سرمایه‌داری آن هم پس از سرنگونی وحشی‌ترین حکومت کنونی دنیا، مجازات اعدام برای حذف مخالفین ضروری است؛ مخالفین سیاسی که محمدرضا پهلوی از آنها به عنوان «تروریست» یاد می‌کرد.

با این وجود، ما مردم، فعالین و تشکل‌ها که در جنگی مستمر علیه حکومت اعدامی هستیم، باید هرگونه تلاش از سوی سلطنت‌طلبان یا هر نیروی سیاسی در دفاع از مجازات اعدام را با قدرت پاسخ دهیم. برای اینکه ایران فردا جایی برای اعدام نداشته باشد، همین امروز است که باید دست‌به‌کار شد و هر نیروی سیاسی که پایبندی خود به لغو بی‌قیدوشرط مجازات اعدام را اعلام نمی‌کند، رسوا کرد و به حاشیه فضای سیاسی راند.

سازمان جوانان کمونیست

بیانیه شماره ۲۵ کارزار «جان زندانیان سیاسی در خطر است!» خانواده‌های محکومین به اعدام را تنها نگذاریم! زندانیان زندان قزل‌حصار در اعتصاب غذا در اعتراض به اعدام‌ها!

روز دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۴، صدها زندانی در واحدهای ۱ و ۲ زندان قزل‌حصار در اعتراض به افزایش بی‌سابقه اعدام‌ها، از دریافت جیره غذایی

**زندانی سیاسی
آزاد باید گردد!**

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته دوشنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید